



نشست های سه گانه فرهنگی



روز پیاپی

چهارمین  
مجمع  
بین المللی  
استادان زبان  
وادبیات فارسی  
تهران، ۲۸-۳۰ مهر ۱۳۸۶

## دیدارها و گفت و گوهای روز پایانی

دیدارهای نمایندگان افغانستانی ها، تاجیک ها و عرب ها با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نتایج امیدبخشی را برای گسترش تعامل فرهنگی این کشورها با ایران به بار آورده است

در نشست عرب ها نمایندگان از کشورهای مراکش، سوریه، اردن، مصر، تونس و لبنان حضور داشتند

۲

## این عاشقان لهجه و آهنگ فارسی

فردوسی



گفت و گو

## عاشق ادبیات ایران هستم از فردوسی تا شاعران امروز

دکتر منی احمد حامد:

دکتر منی احمد حامد استاد زبان و ادبیات فارسی دانشکده «السوئه» دانشگاه «بن الشس» قاهره با تسلط عجیبی به زبان فارسی حرف می زند و جالب آنکه حتی شعرها و نویسندگان بعد از انقلاب را نیز خوب می شناسد. می گوید عاشق ادبیات ایرانم از فردوسی تا همین شاعران امروز.

عملکرد شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی را در مصر چگونه ارزیابی می کنید؟  
ما در گذشته در زمینه ی کتاب و تهیه ی منابع بسیار رنج می کشیدیم. اما شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی اکنون تمام جاده ها را برای ما هموار کرده است. دستشان درده نکند. خود من با همکاری این شورا از سال ۲۰۰۰ تاکنون توانسته ام سه بار به ایران بیایم که دو بار اول برای دوره های دانش افزایی زبان فارسی بود و اکنون نیز به دعوت مجمع جهانی استادان زبان و ادبیات فارسی در خدمت شما هستم.

در چه دوره ای شروع به یادگیری زبان فارسی کردید؟  
من ابتدا با تحصیل در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی یادگیری این زبان را شروع کردم که در نهایت هشت سال پیش توانستم رساله ی دکتری خود را ارائه دهم. در حال حاضر هم ادبیات فارسی را تدریس می کنم و تحقیقات و ترجمه های نیز در این زمینه دارم.

لطفاً به چند نمونه اشاره کنید.  
البته کتابهایی که بنده نوشته ام به زبان عربی است. برای اینکه خوانندگان مصری بتوانند آن ها را مطالعه کنند که از جمله این تألیفات می توانم به اصطلاحات اداری در زبان فارسی اشاره کنم. دو اثر ترجمه نیز منتشر کردم که یکی از آنها «نامه نامه ها» با کلاوا و ای کلاه، غلامحسین ساعدی است و دیگری «مورینه» اثر بزرگ علوی الان هم در حال ترجمه چشمه پیشانی اثر علوی هستم هم چنین تحقیقات و مقالاتی هم دارم که بسیاری از آنها در نشریات مصر چاپ شده است.

من در تمامی زمینه ها و مسائل مربوط به ایران کار کرده ام به مسائل مختلف این کشور از مسائل اجتماعی گرفته تا فرهنگی و... علاقه و توجه دارم. ادبیات معاصر ما را تا چه حد می شناسید؟

ما پایان نامه های زیادی درباره ادبیات معاصر ایران داریم. خود من با صادق هدایت، بزرگ علوی، غلامحسین ساعدی، صادق چوبک، نیما و بسیاری دیگر از معاصران شما آشنا می دارم حتی شعر بعد از انقلاب شما را هم خوب می شناسم! احمد غزالی، فیض امین پور و... یک کلام بگویم که عاشق ادبیات ایرانی هستم از فردوسی تا همین شاعران امروز شما.

نکته ها



### مرد دانشنامه ادب فارسی

دیدار با حسن انوشه



### نویسندگان فارسی تنها

و محدود نیستند

هوشنگ مرادی کرمانی

فردوسی

### زبان فارسی در جهان

مسائل و مباحث زبان فارسی آموزش زبان فارسی

۱۳۰۹ و ۱۴

### همه چیز درباره ی فرهنگستان ادب فارسی

۱۰

یادداشت

### رسم الخط زبان فارسی

۸

حاشیه و متن

### آثار فرهنگی مرتبط در حاشیه مجمع

۵



رویا ملکی

**گزارش ویژه**

ساده بگویم: **دوای درد فارسی** اسامیتوفن نیست امروز روز دیگر است اینجا دانشگاه تهران است قدم که می رسی به تالار فرموسی پارچه‌های نقش گرفته به خیره‌قدم به دار و دوخت زده شده‌اند و موج می‌زنند در باد و باغ می‌شوند از خوشبید، می‌خواهم رازی قاش کنبا، من حسی نمی‌دانم و الفبا را به ترتیب و امروز آندام چیزی ناموزم از همه این‌ها می‌گویم که اینجا بند عفریه از دو پریده است و من سایه ام کش آمده تا آن سوی خیابان تا آن دو دوخت و بجاوار می‌بگد می‌خورد از کش‌های چیده و کتانی‌های رنگ به رنگ دختران و پسران دانشجوی آستورنی روم سایه ام راحت دهم ولی ابی‌تایی نیست این آفتاب پنجه از سر ما بر نمی‌دارد بلکه ما را می‌گیرد و خود را می‌کشم تا طبقه سوم اتاق آفتاب کلاس است و سال کلاس‌های دیگری بر این کنترانس، اینجا بهتر است

**بوسنداییه که طرفدار پریمیولس و استقلال نیست**

کشیده استخوان و سیاه‌رودان‌ها می‌به طول چند ساعت به رنگی خاص از رفیق‌بور که با سیدمهاوی هارمونی خود را تکمیل داشت شیک‌پوش شده دکت شلوازی مارک‌دار، دستش با پاپان مسامحه در جیب شلوارش جا خوش کرده بود و پشت جیب از جیب بیرون زده اش مجال رهایی می‌جست. ۶۳ساله‌ای بلند قامت که به فارسی مهربان داشت، نامر کارا حلیل اویچ از بوسنی و هرزگوین، ساحل با کسپری‌سی به نام «دین» نامی که به قول او پیشتر اسلامی است تا ایرانی، می‌گوید: ۱۶ سال پیش سال ۱۹۸۷ لیسانس شرق‌شناسی را در بوسنی گرفته بود زبان عربی گرایش یافت فارسی را به عنوان زبان دوم گوید. سپس فوق لیسانس خود را در این رشته ادامه داد. می‌گوید ابتدا هیچ علاقه‌ای به رشته‌های خاص نداشت ولی پس از شرق‌شناسی زبان فارسی را شناخت، با تکویر و به آن علاقه مند شد و با گذشت زمان این علاقه به عشق تبدیل شد.

فارسی را زبانی شگرا و شوران و دانشین می‌داند و نیز شعر فارسی را خوانان شعر مولانا است. کاشان را دوست دارد، دوست عشیق و اسرارآمیز، روده هم از شه‌های دورست داشتن برای این بوسندیایی به شمار می‌رود شهری بین آبدی و سحرگاه به او احساس غلظت قلبی می‌کند. از فضل باد بایستایی را می‌گزیدند ولی نه در ایران، بایستاد در بوسنی، بهیر زیباست، این زمان نمی‌گویم نامر کارا حلیل اویچ می‌گوید، ولی به عشق او رمانش کوتاه است. از اسب‌های ایرانی اکامه را برای مرهادوم زینای حسین، را برای زبان‌های می‌شنود، ایران را مین دوم خودش می‌داند و اگر قرار بود از کل کشورهای دنیا یکی را برای زندگی انتخاب می‌کرد حتماً به ایران می‌آمد. در تمام عمرش به زبان فارسی سخن می‌گفت.

عاشق لهجه و آهنگ زبان فارسی است و ایران را این گونه توصیف می‌کند: سرزمینی کهن و تمدن‌ساز بزرگ و پر از تافتضای و به این واژه خود می‌خندد، پریمیولس و استقلال را به خوبی می‌شناسد. دل طرفدار هیچ کلاس نیست و تیم‌های شهرستانی دانشونق می‌کند. زبان فارسی را زبان عرفان لطیف داری و روح زبان لحظه‌های تهلی و جحران توصیف می‌کند. معتقد است زبان فارسی، زبانی است که می‌تواند روی احساسات انسانی تأثیر گذارند. یک زبان مهربان.

**ریشه‌های از آهن**
به ۱۶ تا ۱۷ساله‌ها می‌ماند. ولی ۲۲ساله است. پورا کاتالیا از بلاروس که با این‌نامه خود را در مرکز مطالعات سیاسی سازمان ملل می‌گذراند. آمده‌ای از تالیف اروپا، زبان مادریش بلاروسی است. ولی زبان اول رشته‌اش فارسی، از مدرسه عاشق زبان شرقی شده، مجرد است و حالا حالا تصمیم به ازدواج نداده که به قول دوست بازیگرش اش استاد دیگری از ایران آنسی به او زن نمی‌دهد، اگر بخواند ازواج کند در ایران نه و شاید هم، بپویا را از نام‌های پسرانه بیشتر دوست دارد. و برای دخترها «شیرین» را دارای زیبایی نام می‌داند. شعر خیم می‌خواند و موسیقی سنتی به گوش می‌گیرد. شاهنامه خوانی از دیار بلاروس برای بار چهارم از اسان‌ها گذشت. تاپران را به نظاره نشینند و حالا در چهارمین مجمع بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی به ایران آمده است.

به چهره، جزو جوان‌ترین جوان‌های همایش است ولی شاید بیشتر کسی به رنگ صورتیست. کراتی از رنگی نمی‌توانی چشم‌اش چند دقیقه روشن‌تر از کرات‌ها از این سو به آن سو می‌دوید. ولی خودش گوشه‌ای اختیار کرده بود بین راه پله و دیوار سیاه می‌کشید و معتقد بود به بهترین صورت به فارسی مسلط است. این جوان‌ترین میهمان، هر جای دنیا برای زندگی می‌بسنند ولی مکان‌های که درستان عزیزش آنجا باشند و یا سرزمینی میهمان‌نوازان مردمی خوب که به نظر من همگی این توصیف‌ها، وصفی از ایران بود.

زبان مادری اش را دوست دارد ولی از زبان‌های خارجی

فارسی را ترجیح می‌دهد. شاعران مختلف و شعر او را عاشق

ایران کرد. خیام شاعر را از شاعران باستانی دوست دارد و به پوروش می‌دهد. و چشم انتظار کودکی است که مهربان، نامش ده‌ه، عاشق کاشان است به خاطر مهربان، به من اصداً پای آب، گوش جان داده است و روی آن کار کرده است. ضرب‌المثل‌ها، ادبیات فارسی معاصر، داستان کوتاه را دوست دارد و در تمام این موارد کار کرده است. آنتولوژی داستان‌های کوتاه دارد و آنها را ترجمه می‌کند. این کتاب موردالتهیر داستان‌های کوتاه فارسی معاصر، نام دارد که دو سال گذشته جایزه کتاب را در مغرب به خود اختصاص داد. روزستان را در ایران دوست دارد، تنها اگر آسمان برف ببارد آن هم در نقاط شمالی شهر.

واژه «دوست دارو» را از ایرانی می‌بسنند و تکرار می‌کند. عاشق سنت‌های قدیمی ایران است. آن‌گونه که دلش می‌رود از تنب پلدا می‌گوید. آداب فال حافظ و چله‌نشین و میوه و

## این عاشقان لهجه و آهنگ فارسی



آجیل و آن شب بلند. اگر قرار به انتخاب زبان باشد، ایرانی را می‌بسنند و باز هم کاشان را از تمام شهرهای ایران دوست‌تر دارد و اگر بخواند زندگی کند. کاشان می‌رود در کنار مهربان این مغربی، شبوا سخن، که مجلس شده با پیرهن سیاه و سفید و آبی راه راهی بسته شده با سه کلمه سفیدکش را کشی پاپین تر از چشمش می‌گذارد. روی میانه بینی و یک می‌زده سیگاری، که من به سختی می‌بینم چه می‌محاشش را و تکرار می‌کند. «ترم و آهسته بیا، تکند باز ترک، برافرو».

**اشک‌هایم برای ایران**

روشنی قبل بافتنم و روش بونیم، ایرانی اصلی به میهمانی آمده از لوسه و آندیده بود تنها از پتوی استاز مغرب و سفش را گرفته بود. آشنا که شدم لندنا، کنار جوی بی‌غوازه در سان قلناجوری دانشگاه تهران با یوه سنخ لیستوم بعد نهم زبان بیرون از فضای پر از صلاهای قشای بوی کتاب به خاطر نهم، سیدیم، چینی برای کب، زند، بزرگ بر روی باوهایی سید شده در راه استانی یا عشیقی که نمی‌از گونه‌هایش را از من بپاک می‌کرد و لپروهای که از زبانی موسیقی به پایین ریخته بود. ناسله‌ای نمی‌بایتم بین عشق و آواروش و نامشایی نمی‌بایتم بین او و وقتش، خوش را دور می‌باشست از ایران تمام مطلقاًش، خوش را می‌بندم زندگی‌کنم از من که تنها لور لورم به مجاوره سخن می‌گویم. سال‌ها بود چستد، جو که رده بود زبان و روح انبیاات فارسی تنها کاری که حتی علاقه‌اش را نتسکون می‌داند.

شهورور ۴۶گشوده چشم به دنیا شاید بگویم به ایران بزرگ شده‌ای برای ایرانی امام تحصیل با پورسیده و زود فرانسه می‌شود و باقی قضایا، نکه کلامی ندارد ولی می‌گوید «شیرین است» می‌خواهم نکه کلامش را بگیرم. ولی می‌توانم مسو سخنان این استاد بودم تا روزهایش معتقد است هر گفتار از ادب، فرهنگ و ادبیه ایرانی زیباست. باید آن را شناخت و به تمام دنیا شناساند. ولی تاجایی که امکانات آن فراهم شود، برگردان لیل دوم و سوم ایرانی‌های مقیم خارج است. می‌گوید آن‌ها باید ایرانی را شناسند، فارسی را شناسند و دنیاشان مثبت باشد. این استاد ایرانی اسفهان نصف جهان را دوست دارد و با اشاره، به کتابی در خصوص اسفهان می‌گوید: اسفهان شهر زیبایی برای مردن، بزرگ بردی با دو قرن، معدعلی و مرمیبه که هر بار از ایران حاطقه می‌گوید بغض گلوش را می‌فشارد و چشم‌اشش به ایران می‌نشیند، سر تکلام می‌دهد، برای زبان فارسی و و طعه‌هایی که برای گذرش آن داده شده غصه می‌خورد.

به عاشقچاشنی عشق ایران را می‌آموزد، به ضرب المثل هندی اشاره می‌زند، فارسی شکر است، از شاگردان فرانسوی زبانش برای مقدمه تاریخچه زبان فارسی می‌پرسد، آیا می‌داند شیرین‌ترین زبان اروپایی چیست؟ و آنها حتماً روم می‌کنند، اسپانیا، ایتالیا، فرانسه و می‌گویم می‌داند شکر و شیرین‌ترین زبان شرقی چیست؟ اروپایی زبان فارسی.

ایران سرزمینی برای معنویت و انسان دوست‌بایه می‌کند، به آب و خاک عشق می‌ورزد، دیواره پاییز است و روی همه اینها دارد. عدد ۳۵ سال به گذرش زبان فارسی جان داده است و تنها استاد کرسی دانشگاه استراسبورگ فرانسه است. می‌گوید به خاطر وطن آنجاستهم برای ایران، برای گذرش فرهنگ آن و برای حسن و طیفه‌ام و باز دلش می‌گیرد، چشمانش برایان می‌شود، غصه‌اش می‌گیرد و مرا در بین راه می‌گذارد و راه می‌کند در خیابان بلند دانشگاه تهران...



شماره ۱۳۵، چهارشنبه ۳ تیر ۱۳۹۲



سابر محمدی

حسن توشه، متولد سال ۱۳۲۳ در شهر بابل است که در رشته ی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. از سال ۱۳۵۰ کار توشن را شروع کرد و اولین اثرش ترجمه ی «تاریخ غزوات» را در سال ۱۳۵۶ به بازار فرستاد. «ایران و تمدن ایرانی» مجموعه ی چهار جلدی «تاریخ ایران» از انتشارات دانشگاه کمریج، «ایران در سده‌دهم تاریخ» و «فرهنگ زندگی نامه‌ها» عناوین بخشی از ترجمه‌های اوست.

حسن توشه که تا تألیف «دانشنامه ادب فارسی» را به عهده گرفته و تاکنون هفت جلد از این مجموعه را راهی بازار نشر کرده و جلدهای بعدی این اثر سترگ نیز در راه است.

آقای توشه، شما چهار جلد از «تاریخ ایران» کمریج را ترجمه کرده بودید و تاکنون از ادامه کار بازماندید، چرا؟

من پس از ترجمه ی تاریخ غزوات، «ایران و تمدن ایرانی» چهار جلد تاریخ ایران کمریج را ترجمه کرده بودم و بعد با گروه جدیدی که در انتشارات امیرکبیر مستقر شدند توانستم به غایم برسیم چون توفعی از من داشتند که نمی‌توانستم برآورده کنم. بنابراین پس از ترجمه و انتشار چهار جلد از تاریخ ایران از انتشارات کمریج با کمال تأسف کار را رها کردم. من می‌توانستم این کار را ادامه بدهم و همگی مجلدات را ترجمه کنم، اما آن‌ها طور دیگری با من برخورد می‌کردند که من منصرف شدم و دیگران کار را ادامه دادند و ترجمه‌ای نه چندان رضایت بخش از این مجموعه ارائه کردند. و...ای کاش ترجمه‌ای مطمئن‌تر از این کتاب منتشر می‌کردند. به نظر من این مجموعه یکی از جدی‌ترین آثاری است که در زمینه ی تاریخ ایران نوشته شده است. چون فقط تاریخ سیاسی نیست، بلکه تاریخ علمی، تاریخ معماری، تاریخ دین و بسیاری مطالب در این مجموعه آمده که می‌توانست برای دوستاران و علاقه‌مندان فرهنگ ایران برگزیده باشد. مناسبانه من توانستم با سوژان مؤسسه ی امیرکبیر این مجموعه را به پایان بریم.

**دانشنامه ادب فارسی** را به پیشنهاد چه کسانی تألیف کرده‌اید؟
تألیف و تدوین دانشنامه ی ادب فارسی در دهه ی شصت، طی دیداری که با آقای مسجدجامعی داشتیم، به من پیشنهاد شد و من از سال ۱۳۷۲ کار را شروع کردم و پیش‌تر از این‌ها آثار دیگری هم داشتم. البته مدتی هم با دایره المعارف تشیع همکاری داشتم و تا جلد دهم دایره‌المعارف با این مجموعه کار کردم. مقالات من بسیاری از صفحات دایره‌المعارف تشیع را به خود اختصاص داده است.

**تاکنون هفت جلد از دانشنامه ادب فارسی را تدوین کرده‌اید. جلد هفتم که در اوایل ماه جاری منتشر شده به کدام کشورها می‌پردازد؟**

جلد هفتم دانشنامه ادب فارسی ویژه ی ادب فارسی در کشورهای قفقاز یعنی آذربایجان و ارمنستان و گرجستان و جمهوری خودمختار داغستان از فدراسیون‌های روسیه است. کار تدوین و تألیف دانشنامه و از چه سالی شروع کرده‌اید و جلد اول آن در چه سالی منتشر شد؟ و همکاران شما چه کسانی هستند؟

فیض برداری این دانشنامه، تقریباً از مهر یا اواخر شهریور ۱۳۷۲ شروع شد. زید معظم فیض برداری تشدید، در اوایل کار سفارش مقاله می‌دادیم و می‌شود گفت همزمان با فیض برداری، توفیق مقالات‌اش را هم شروع کردیم و در سال ۱۳۷۵ اولین جلد آن که به آسیای مرکزی اختصاص داشت، چاپ و منتشر شد و بعد از آن هم یک جلد فرهنگنامه ی ادب فارسی ویژه ی اصطلاحات و مبانی و موضوعات ادب فارسی که تقویرترین جلد دانشنامه هم به حساب می‌آید و در ۱۵۵۰ صفحه فراهم آمد.

منتشر کردیم. جلد بعدی دانشنامه ی ادب فارسی را به صورت ویژه برای افغانستان منتشر و بعد از آن در سه جلد ادب فارسی در شبه قاره یعنی هند، پاکستان، بنگلادش و نواحی مجاور را تألیف و تدوین کردیم. آخرین جلد هم که جلد هفتم بود ویژه ی ادب فارسی در قفقاز بود که اخیراً به بازار آمد.

**این مجموعه قرار است تا چند ادامه پیدا کند و به کدام مناطق اختصاص خواهد داشت؟**

تصمیم بر این است که تا ایام نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران اگر شد دو جلد دیگر و چنان‌چه مسیر نبود قطعاً یک جلد دیگر منتشر می‌کنیم. جلد بعدی دانشنامه ی ادب فارسی در آسیای صغیر شامل ترکیه و کشورهای بالکان خواهد بود. می‌داید که زبان فارسی تا اروپای مرکزی نفوذ داشت. یعنی ما شاعران و نویسندگان بسیاری داشتیم و با شاعران و معسران یعنی دانشم که در یونانی و آلبانی و در نواحی غرب بالکان به زبان فارسی می‌نوشتند. بنابراین بالکان هم برای ما حائز اهمیت است و در معرفی ادب فارسی در آن مناطق می‌گوئیم. استاد و مدارکی که از این مناطق فراهم کردیم، زمانی که منتشر شود، خواهد دید که چه قدر زبان فارسی در دیگر سرزمین‌ها نفوذ داشت. در یک جمع دوستانه از من پرسیدند آیا زبان فارسی را سلطان محمود به هند برده بود؟ در جواب باید بگویم، به فرض که زبان فارسی را سلطان محمود به هند برده، اما به آلبانی و یونسی چه کسی برده است؟ به اگر این چه کسی برده؟ که در

آن جا نویسنده‌ای پیدا شود کتابی به نام «بلستان» به فارسی بنویسد که نقلی از گلستان سعدی است. بنابراین در آن جاها هم زمانی ما نفوذ فرهنگی داشتیم. اتفاقاً در چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی یکی از استادان هلندی پشت سر هم واژگانی را به زبان می‌آورد و می‌گفت این واژگان از زبان فارسی وارد زبان هلندی شده است. به حال زبان فارسی به فرهنگ و تمدن بشری خدمات ارزنده ی داشته و بزرگان را پرورده که افرادی چه چنانی دارند.

**به این سؤال پاسخ ندادید که چه برنامه‌هایی در آینده در زمینه دانشنامه دارید و در مجموع، این دانشنامه به چند جلد خواهد رسید؟**

ویژه ی بالکان را که منتشر کنیم در پی‌اش «دانشنامه ی زبان فارسی در کشورهای عرب» خواهد آمد. این دو -سه جلد که به پایان برسد به امید خدا از سال بعد وارد حوزه ی ادبیات فارسی در ایران می‌شویم و گمانم چهار یا پنج جلد هم به ایران اختصاص داده می‌شود. و در مجموع تا چهارده جلد کار را به پایان می‌رسانیم. البته آقای مسجدجامعی پیشنهاد دادند یک جلد جداگانه به نام «فارسی پژوهان و مراکز فارسی‌پژوهی جهان» تألیف و تدوین کنیم. فکر بسیار خوبی است، اگر بتوانیم منابع این تحقیق را فراهم کنیم. می‌داید به دست آوردن منابع در این زمینه بسیار دشوار است و به دست آوردن اطلاعاتی نظیر این که مراکز فارسی‌پژوهی در سراسر جهان کی تأسیس شده و استادانش چه کسانی بودند و چند دانشجو پرورش داده‌اند بسیار سخت است. اگر بتوانیم ۸۰ درصد از اطلاعات خود را در این زمینه گردآوری کنیم، کار را بی می‌گیریم چون به درد اهل تحقیق و فارسی‌پژوهان و علاقه‌مندان به زبان فارسی خواهد خورد. اما در نهایت سعی داریم زودتر این مجموعه را به سرانجام برسانیم چون به هر حوزهای که پرداختیم از لقب شروع و به پا ختم شد. ما نمی‌خواهیم این مجموعه به سرتوشت بسیاری از دایره‌المعارف‌ها دچار و نیمه کاره براه شود.

**بفرمایید در هر جلد از دانشنامه روی چه مؤلفه‌ها و عناصری تأکید دارید و به چه چیزهایی می‌پردازید؟ و اگر کسی بخواهد از زبان شما...**

یک مقدار از ادبیات ما با این مناطق که کار کرده‌ایم، مثل

### ◆ حسن اوشه:

**تألیف و تدوین دانشنامه ی ادب فارسی در دهه ی شصت، طی دیداری که با آقای مسجدجامعی داشتیم، به من پیشنهاد شد و من از سال ۱۳۷۲ کار را شروع کردم**

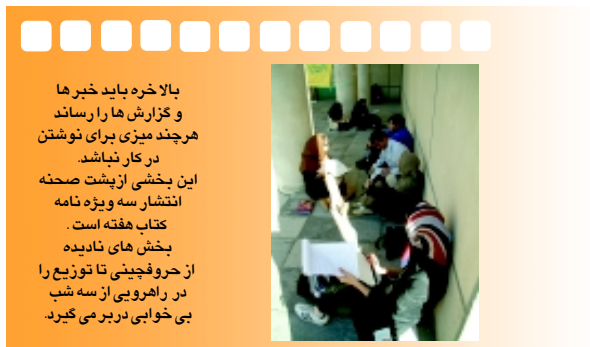
آسیای صغیر، مثل آسیای مرکزی و افغانستان مشترک است. یعنی چه بسا رودگی و سوزنی سمرقندی را بهتر از آن‌ها بشناسیم. همین‌طور سیف فرغانی و کمال خجندی را بهتر می‌شناسیم.

حال وقتی می‌رسیم به دوره ی جدیدی در تاریخ معاصر، در این گونه موارد برای تکمیل کار از استادان همان مناطق کمک می‌گیریم. مثلاً استاد میرزا ملااحمد، استاد شیدزاده و با استاد شکورزاده و... در زمینه ی ادبیات فارسی در تاجیکستان از این استادان استفاده کردیم. در همین جلد اخیر، شعرای آن مناطق را معرفی کردیم تا جایی که به شرح احوال آن‌ها دست‌رسی داشتیم. بعد روزنامه‌ها و مجلات ادبی و نیمه ادبی آن کشورها را معرفی کردیم. کتاب‌های مهم را معرفی کردیم. اصطلاحات خاص هر منطقه را آوردیم. سرانجام ذیل هر مطلب، منابع آن را به دست می‌دهیم. و نام نویسنده ی مقالات را هم می‌آوریم. از دوره ی صفویه که لاریک‌ها در آسیای مرکزی سلطه پیدا می‌کنند، اطلاعات ما از یکدیگر به حداقل رسیده بود و وقتی حکومت شوروی در آن مناطق شکل گرفت به طویل روابط فرهنگی و ادبی هم قطع شد و اطلاعات چندانی غیر از چند نفر نداشتیم. صدرالدین عینی و صدریه را می‌شناسیم و چند نفر دیگر را دیدارها که فرورخت. اطلاعات تازه به ما هم رسید. برای این دوره که اطلاعات ما ناقص بود از استادان همان کشورها استفاده کردیم و مقالاتی برای ما فرستادند و در دانشنامه مورد استفاده

## مرد دانشنامه ادب فارسی

### دیدار با حسن اوشه

## متن و حاشیه متن و حاشیه



بالاخره باید خبرها  
و گزارش‌ها را رساند  
هرچند میزی برای نوشتن  
در کار نباشد.  
این بخشی از پشت صحنه  
انتشار سه ویژه نامه  
کتاب هفته است.  
بخش‌های نادیده  
از حرف‌چینی تا توزیع را  
در راهرویی از سه شب  
بسی خوابی دربر می‌گیرد.

## آثار فرهنگی مرتبط در حاشیه مجمع

### فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۶۵ عنوان کتاب



همزمان با برپایی چهارمین مجمع استاندارد زبان و ادبیات فارسی که در تالار فردوسی دانشگاه‌های ادبیات دانشگاه تهران برگزار می‌شود، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با همکاری مجمع استاندارد زبان و ادبیات فارسی در جنب آن برپاست. این مجموعه شامل ۶۵ عنوان کتاب است که در حاشیه مجمع استاندارد زبان و ادبیات فارسی در جنب آن برپاست. این مجموعه شامل ۶۵ عنوان کتاب است که در حاشیه مجمع استاندارد زبان و ادبیات فارسی در جنب آن برپاست.

تهران و غرضی معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. برگزار شده است. در غرضی شورای گسترش زبان فارسی با ۲۷ عنوان کتاب آموزشی زبان فارسی آشنا می‌شود که ۳۰ عنوان آن در مورد آموزش زبان و ادبیات فارسی در کشورهای مختلف است و ۱۷ عنوان آن نیز به زودی منتشر می‌شود. به طور کلی شورای گسترش زبان فارسی در زمینه آموزش زبان فارسی به خارجی‌ها فعالیت می‌کند و اقدامات عددهای دیگرش انتشار سه لوح فشرده است که شامل ۵۴ کتاب‌های لغوی، گرامر، دستور و واژه‌نامه‌های فارسی در گفتار است. شورای گسترش زبان فارسی فصلنامه و خبرنامه‌ای نیز در این رابطه منتشر می‌کند. غرضی انتشارات فرهنگ معاصر از دیگر غرض‌های شرکت کننده در نمایشگاه مجمع است که در زمینه کتاب‌های مرجع فعالیت می‌کند و در این نمایشگاه با ۵۲ عنوان کتاب شرکت کرده که جدیدترین آن‌ها فرهنگ طنز، فرهنگ آذربایجان، راهنمای تلفظ، فرهنگ تلفظ نام‌های معاصر و فرهنگ دانش آموز است. غرضی کانون زبان ایران نیز با کتاب تندآموز زبان فارسی همراه با کاست و کتاب‌های الکترونیکی، آموزش مکالمه‌ی شخصی را به خارجی‌زبانان در نمایشگاه عرضه می‌کند. در غرضی پایان‌نامه‌ها حدود ۸۰ پایان‌نامه‌ی دانشجویان خارجی و داخلی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۳۵ در معرض بازدید قرار گرفته است. غرضی جهاد دانشگاهی نیز با حدود ۷۰۰ عنوان کتاب در زمینه ادبیات در این نمایشگاه حضور دارد که از کتاب‌های آن می‌توان به کتب دیوان اشعار، رمان، تاریخ، فلسفه و تحلیل شعر اشاره کرد. خانه‌ی کتاب ایران منتشرکننده‌ی هشت کتاب ماه کلیات، دین، علوم اجتماعی، علوم و فنون، هنر، ادبیات و فلسفه، تاریخ و جغرافیا و کودک و نوجوان نیز با شرکت در این نمایشگاه سومین نسخه‌ی نشر افراز بانک اطلاعاتی آثار کتاب‌های بین‌سال‌های ۱۳۷۰-۸۱ را ارائه کرده است. در این نرم‌افزار نام و مشخصات تمام کتاب‌های چاپ شده ترجمه و آرایه (در ایران که بالغ بر ۲۰۰ هزار عنوان کتاب می‌شود را جمع‌آوری کرده است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز با ۶۵ عنوان کتاب در این نمایشگاه شرکت کرده که پیش‌تر کتاب‌ها در زمینه‌ی واژه‌گزینی و رسم الخط‌های جدید هستند. دانشگاه تهران نیز با ۱۵۰ عنوان کتاب متون فارسی در این نمایشگاه شرکت کرده است. معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز نشریاتی را که محورهای ادبی، فرهنگی، اطلاع‌رسانی، زنان، حقوق، اقلیت مذهبی و معارف اسلامی را دارد در این نمایشگاه عرضه کرده است. در این غرضه پیش از صد عنوان روزنامه چاپ شده ترجمه و آرایه (در ایران که بالغ بر ۲۰۰ هزار عنوان کتاب می‌شود را جمع‌آوری کرده است.

۱۵۰ عنوان کتاب  
دانشگاه تهران  
شورای گسترش  
زبان فارسی  
۲۷ عنوان کتاب

قرار گرفت. این دانشنامه برای غنای زبان فارسی قطعاً مفید خواهد بود. ماجزین ادعایی نداریم. دعوی ما این است که اطلاعات برکننده را گردآوری می‌کنیم تا اهل تحقیق بتوانند از آن استفاده کنند. امیدوارم حرف شما درست باشد. از افغانستان، از تاجیکستان، از ازبکستان و ازبکستان اصطلاحات و مفاهیم تازه‌ای هست که در حیطه‌ی کار واژه‌شناسان است. قطعاً خیلی از این واژگان وارد دانشنامه‌ی ما هم شده و این واژگان وقتی وارد ایران می‌شود باعث غنای زبان فارسی می‌شود. اما کارها در این زمینه آن قدر گسترده و عام نیست که بشود برایش حساب باز کرد.

طبعاً قدرتمند و تمجیدهایی از این دانشنامه‌ها شده، شما بفرمایید انتقاداتی که مطرح می‌شود، مبدلاً از چه منظری است؟ والله من به انتقادات کتبی آن چنان برخورددم البته منتشیل آن چنانی هم نشنیدم و نتواندم. البته این تصور را هم نداریم که دانشنامه در همان چاپ اول بدون نقص و کم غلط است. هر دانشنامه‌ای در چاپ‌های اولیه اشکالات و کاستی‌هایی دارد. منتها باید نشست و بازخوانی کرد و اشکالات و نقص‌هایش را در چاپ‌های بعدی رفع کرد تا سرانجام دانشنامه‌ای بناخواهد شد. البته فکر نمی‌کنم دایره‌المعارف مثل بریتانیکا و امریکانا که پیش از نیم قرن چاپ می‌شوند، بی‌غلط باشند. هنوز هم کم و کاستی‌هایی دارند. طبعاً ما هم دعوی کامل بودن کار خود را نداریم.

الگوی شما در تألیف این دانشنامه چه آثاری بودند؟ من شاید نزدیک به سی سال است که چشمم به دایره‌المعارف‌ها خورفته است. دایره‌المعارف دارم که چاپ سال ۱۹۶۲ میلادی است و مدت‌ها کتاب‌هایی من بوده‌ام. امریکانا را عرض می‌کنم. الگوی من این بود که در میان دایره‌المعارف‌های مختلف گشتی بزنم و بهترین شیوه‌ها را بیابم. ضمن این که خودم سال‌ها با دایره‌المعارف تشیع همکاری می‌کردم و وقت رفته رفته آمختم که برای تألیف یک دایره‌المعارف چه ساز و کاری را باید رعایت کنیم... در جامعه ما اغلب کارهای بزرگ فرهنگی به صورت انفرادی صورت گرفت. فرهنگ معین، کتاب کوچک شامل و ده‌ها اثر دیگر دانشنامه‌ی ادب فارسی چگونه شکل گرفت و آیا به صورت انفرادی اداره می‌شود یا...

می‌شود گفت بده یعنی اگر آقای مسجدجامعی دست حمایتش را از دایره‌المعارف بردارد، ما باید کار را تعطیل کنیم. با وجود این که مدت‌ها کار و تألیف این مجموعه می‌گذرد، هنوز موفق نشدم این تشکیلات را طوری سازماندهی کنم که روی پای خود بایستد و به یک نهاد مستقل فرهنگی تبدیل شود. اگر روزی من نباشم نمی‌دانم تکلیف‌اش چه خواهد شد. یکی از دلایل شتاب من در به پایان بردن کار هم همین است که تا عمر باقی است این مجموعه به سرانجام برسد.

بازتاب این دانشنامه در خارج از ایران چگونه است؟ حمایت می‌شود؟ هیچ. ما از هیچ جا حمایت مادی نشدیم. اگر پیشنهادی هم در این مورد بشود نمی‌پذیریم. برای این که نمی‌خواهیم حرف و حدیثی پشت این دانشنامه درست شود. مثلاً اخیراً یکی نفر از آلمان پیشنهاد حمایت از دانشنامه را داد که نپذیرفتم. برای این که نمی‌خواهیم بوجه خدمت به زبان فارسی از راه صدقه تأمین شود. تا به امروز هم دبیری از کسی نگرفته‌ام فقط به کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بسنده کردیم. بعد نه هیچ حق‌التألیفی می‌گیریم و نه حتی حق حروف‌چینی. حق نمونه‌خوانی و ویراستاری هم نمی‌گیریم. فقط با مختصر بوجه‌ای که برای کتاب می‌دهند سعی داریم دانشنامه را به پایان برسانیم.

برای فروش در خارج از کشور هم اقدام کرده‌اید؟ در افغانستان که از آن بسیار استقبال شده است. با من تماس‌های فراوانی گرفته‌اند و نامه‌های بسیاری هم نوشته‌اند. در افغانستان با اصحاب برخورد کردند و شکر کردند که در سال‌هایی که مغفول بودند ما برای‌شان کتابی مرجع، تألیف کرده‌ایم. این کتاب در شبه‌قاره با استقبال خوبی روبرو شد و خبر دارم که در امریکا به صورت است تکثیر شده و در میان افغان‌ها توزیع شده است و...



## سالانه یک میلیون دانش‌آموز پاکستانی فارسی می‌آموزند

در کشور پاکستان، سالانه یک میلیون دانش‌آموز پاکستانی در مقطع تحصیلی متوسطه به آموزش و یادگیری زبان و ادبیات فارسی می‌پردازند.

به گزارش خبرنگار ما، آموزش زبان فارسی پس از زبان عربی در مدارس دینی پاکستان اجباری است.

دانش‌آموزان مدارس پیشی پیس از پایان

تحصیلات خود در مقاطع ابتدائیه، متوسطه، ثانویه و عالی وارد دانشگاه شده و جذب فرصت‌های شغلی می‌شوند.

آموزش زبان فارسی به شیوه قدیم یعنی آموزش دستور زبان و آشنایی با متون انجام می‌گیرد.

به رغم تأکید برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران

برنامه‌های آموزشی در پاکستان بر لزوم روزآمدی

روش تدریس زبان و ادبیات فارسی در مدارس پاکستان، ایران در بهبود زبان آموزی در پاکستان یا

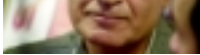
این کشور، همگامی ندارد.

در ماه‌های اخیر با افزایش اختلافات فقهی در

مدارس سنی پاکستان، آموزش زبان و ادبیات فارسی نیز یادشواری‌هایی مواجه شده است.

### موشک مرادی کرمانی:

## نویسندگان فارسی تشبا و محدود نیستند



با حضور در این مجمع احساس می‌کنم که نویسندگان فارسی زبان تنها و محدود نیستند. هوشنگ مرادی کرمانی که به عنوان عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی در چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی حاضر شده بود با بیان این مطلب گفت: من به عنوان یک نویسنده خیلی خوشحالم که کتابم به زبان فارسی نه فقط ترجمه در آن سوی مرزها هم خواننده دارد. البته واقعیت این است که زبان فارسی زبانی با مخاطبان محدود است.

وی درباره حضور نویسندگان در این گونهٔ مجمع گفت: نویسندگان برای حضور در این مجمع، خود باید علاقه نشان دهند. شاید به تصور دلیلی بودن مجمع گاهی اوقات بر روی مخاطبان تأثیر نگذارد اما حقیقت آن است که هر جایری زبان فارسی سرمایه‌گذاری شود توسعه زبان فارسی هدف باشد حضور محققان ضرورت دارد. مرادی با بیان این مطلب که زبان فارسی زبان هنر، تاریخ، ملیت و زبان رسمی و ملی ماست، افزود: من به عنوان یک نویسنده خوشحالم که به زبان فارسی می‌نویسم بر خلاف نظر عده‌ای که فکر می‌کنند زبان فارسی زبان معدودی است و اثر نویسنده به خاطر این که افراد زیادی آن را نمی‌خوانند مهجور می‌ماند در هر صورت زبان فارسی هم توانایی‌های خودش را دارد و می‌تواند حرف ما را بزند و چه بهتر که در لباس خودش نه لباس ترجمه به دیگر کشورها می‌رود.

وی حضور استادان را از ملیت‌ها، قومیت‌ها و کشورهای مختلف نشانه علاقه‌مندی و گرایش برپای جهان به زبان فارسی دانست و آن را پرابنده فرهنگ این مرز و بوم امیدوار کننده توصیف کرد.

## درباره اندیشه زبان ایرانی و کلام فارسی

**ام‌الله نصراللهی**

حکایت شعر پارسی در بستر اندیشه‌ی ایرانی حکایتی بس نغز و خوش، از سرودن به ظاهر نخستین شعر پارسی؛ آهوی کوهی در دشت چگونه بود!

او ندارد یاز، بی یاز چگونه رود!

تا سروده‌های شاعر نابینای ما (شاعر گورچشم روشن‌بین آلودگی، از بوی جوی مولیان تا ادبیات نغز منوچهری و از شاعر طبیعت تا تصویرگری‌های ناب و بیچ‌دار شعر دهه‌های آخر سده‌ی چهارم تا آنجا که به خداوندگار حماسه و خرد توس می‌رسیم، ایرانی می‌گردد تا هستی خود را معنا دهد. دست و پا می‌زند تا در پرتو سخن پرزادی‌های نیک‌روح خود را صیقل بخشد. با فردوسی ایرانی خرد را از ج می‌نهد. گفتگمان عقلانیت در متن شاهنامه پرورده می‌شود و دهقان زاده‌ی توس پایه‌های شناخت «فردین‌م‌ها» و پدیده‌های هستی را بر آن استوار می‌دارد. از آن سو نیز تغزیر و سربوشت این نیروی فرائز را از آن امی را از یاد نمی‌برد و نگاهی نیز به آسمان می‌افکند تا باریه‌ی معرفش وسیع‌تر گردد.

عرفان راهی است که هر از گاه در شاهنامه خود را بر پهلوانان فردوسی می‌نماید. یکی خسرو فرزند سیاوش نمونه‌ی برین آن می‌باشد و این نشان از آن دارد که فردوسی چه زود با فکر اشراف پناه می‌گردد، تفکری که از شرق جان زرتشت طغیخ کرد و حکمت را بنیان نهاد. حکمتی که پای در آب و پای در خاک داشت. خرد را با تقدیر آشتی می‌داد و عقل را با عشق می‌آمیخت. اندیشه‌ی‌ای که بعدها در تصوف با ترس و بیم زاهدانه دو شقه و دو پارچه می‌گردد و یکی به سوزش دیگری می‌پردازد. در اندیشه‌ی فردوسی شراب را به اندازه باید خورد. این سال در شراب او چون شراب خیمای بوی زندگی هر روز به مشام می‌رسد بی آن که اندیشه‌ی (Mere) را و آرزوی عرفان از یاد برده شود. جهان شاهنامه پر است از تناقض‌ها و تضادها. جهانی که بعدها در عرفان اشراف اندیش، مازنگ و بوی دیگری می‌گیرد، دیالکتیک آن چیزی است که جهان اساطیری شاهنامه را به عرفان حکیمانه و حکمت علاقه‌ای ما می‌باید می‌زند. اندیشه‌های ناب که در دل تاریکی‌های شبانه راز و نیازهای کُنی خسرو پادشاه داهی شاهنامه را به سوز و گدازها و مباحثات‌های عاشقانه‌ی پیر هرات بدل می‌کند و این حدیثی است که در باختن بدان حساسی می‌طلبد پس ظنم که دراز است در مقصد و نگارنده نیز خود را نوسفری پیش نمی‌داند. نگارنده‌ی این مسطور با یزدان‌داره که بیان فکر اخلاقی، اجتماعی و دینی ایرانی بر دیالکتیک استوار است. دیالکتیکی که از درون آن فرزانه مریدی چون حافظ سر بر می‌زند. تفکری که در اندلس این عربی را به جهان مثالی و دایه‌وزار شرق می‌شناساند. راهی که حلاج به آن می‌رود و مسیری که روزبهان، بقلی شیرازی با توضیحات خویش رنگ و بوی دیگری می‌آید. این بخشند. این سال اندیشه‌ی دیالکتیک، محمل تفکر و فرهنگ‌سازی قوم ایرانی قرار می‌گیرد. اندیشه‌ی‌ای که آغاز گامش را باید در متن حیوط و اسطوره‌ی آفرینش سراخ گرفت. حتی که در پرتو تازیلی‌های عاشقانه و علاقه‌خوانش‌های گون‌گون می‌شود. سلسلی غزوی برای تعسیرش به پیداری می‌نشدند و اندیشه‌ی پیداری را تجربه می‌کند. طغیخ از آن هفت شعر عشق می‌سازد و تقاضای ما باقی‌چیزی‌اش خود را تصویرگری دیگری از اسطوره‌ی آدم‌سوا می‌داند. مولوی در پرتو سماع‌های مستانه‌اش از این متن بوی شمسی به مشام می‌رسد و سعدی از دست می‌به‌آدمی و وضعیتی موعود خیر می‌آورد و وضعیتی موجود می‌سازد و عشق را در زمینی واقعیتش به تجربه می‌نشدند و سرانجام پیر ذری‌کش ما، حافظ، از آدم آرنبدی می‌آفریند که تنها حکمت و وجودی (اکزستنس) او زندگی است. این زند می‌نشدند و هستی را نظاره می‌کند و چون تک‌پیک می‌گردد نقش مقصود را از کاره‌گذا هستی در نمی‌یابد و بی پایان همه، خاطر را برایشان نمی‌دارد. نزد این زند عاشقی کردن، کار خدایی کردن است.

پس در اندیشه‌ی‌ای که عاشق شدن می‌تواند خدا شدن باشد، انسان در مرز مدار این باریه معرفت قرار می‌گیرد و پایه قول اکثروپایز، شاعر و متفکر بزرگ مکتوبی، هر انقی می‌تواند مرکز جهان باشد. فردوسی از باریه‌ی بی‌گانه روزداری چنین اندیشه‌ای دانست که چهره‌اش را به سوی خرابه‌های کهن باز گردانده بود. او هر گاه توس حکیم را می‌دید که چگونه شگردانش را خطاب می‌کند که بیا در دشت مسخن گفت به می‌شود چرا که دشت حاصل سبز است! خداست. سستی که سرانجام به آشتی بدل می‌شود. تپش‌ها و یادمانده‌ی کله که مخاطب را با خود به دنیای سرمنورهای زلی و اساطیری کهن می‌برد. به نامو: گاه‌گامی انسان‌ها تنگ‌روی می‌زند با نگاهش با تندیاب مرتبه از جای خویش کنده می‌شود و از نگاههای راشن جز حسرت بر جای نمی‌گذارد. مرتبه‌ی بی‌آید تا اسطوره‌ها زایل کنند. می‌خواید تا جهانی فارغ از اساطیر و اسوه‌ها از خاطر‌های زلی بسازد. به نقل از دینوی روزی می‌آورد و به پدیده‌ها را به سوز و آرزوی تقسیم می‌کند. این نقل و دوگانگی (سوز و آرزو) که در مرتبه اتفاق می‌افتد بیان اندیشه‌ی دیالکتیک فراترگویی را بر هم می‌زند تا آنجا که انبیاء، هنر و فلسفه‌ی غرب از تأثیر آن بر کار نمی‌مانند. این حاشیه به طوری دیگر در فرهنگ ایرانی نمود می‌یابد. تصوف زاهدانه اندیشه‌ی پیمارگویی خویش در متن حکمت کهن ظاهر می‌شود و نقل سوز و آرزو در این جا به نقل عقل عشق می‌انجامد.

سازنداری نقلی خدا، انسان رخ می‌دهد و انسان در این اندیشه و تفهیمی خود می‌بیند که به اطاعت خدایش پیروز و خدایش نیز بر او تکلیف می‌نهد. تا بر طبق آن عمل نماید. در این فکر پیمارگونه از خنده‌های همگین خداوند، دیگر خبری نیست. نه عاشق خنده می‌زند و نه محرق به کرشمه می‌پردازد از درون این تصوف آن‌گونه که در مرتبه اتفاق افتاد. اسطوره‌ی تقسیم زاده می‌شود. بر دهان اندیشه‌ی یادگام یادگوزلی می‌نشدند و درست در چنین وضعیتی است که زند عالم، سوز و مصلحت اندیشی را به کنار می‌زند و از دست ساقی، جام می‌ی‌طلب می‌کند. زبان گشتاخ می‌شود و اندیشه‌ی زهد که کلسیکارانه می‌نماید در گسرد نقد و روان‌گر او در امان نمی‌ماند. این اخلاق که به دیالوگ پشت پا می‌زند و آتش عشق‌ها را زقی می‌کند زود او به چیزی نمی‌آرزد. آنجا که زاهدان، خدای را در شرح جست‌وجوی می‌کنند پیر میخانه‌نشین می‌فروش ما نور خدای را در خرابات معان به نظاره می‌نشدند. این جا ستن آن تفکری که دویاره بر بنیاد دیالکتیک استوار می‌گردد، تفکری که این عربی اندلسی را از سلسلی نظام اسطهالی (مذهبی‌های خویش) باز نمی‌دارد چرا که می‌داند این او این راه‌های است. این تفهیمی نقلی اندیشه‌ی زهد و فکر سبب می‌گردد تا دوبه اندیشه در دست زبان پارسی رخ نماید. یکی از جالب تصوف زاهدان که انسان را به رعایت آداب شرخ و اخلاق شریعت می‌خواند و دیگر تصوف و علاقه‌ها و علاقه‌ها که در اندیشه‌ی ریاضت‌اندازی خویش خدا را در مقام معشوق می‌بیند و انسان را عاشقی که صفت و وجودی او در عشق روززین خلاصه می‌گردد. اندیشه‌ی نجات‌بخش خدا را به عشقی می‌گراید. در این گونه آرزوی از مجازهای دانش‌ها و خبری نیست. هر چه هست زبان بند است و نصیحت و وعظ نه بولا. ما به عشقی می‌نویزاند و نه موسیقی. بولاگان و سنیان سخن، آشکن و پرطلعه‌ی سازه گونی دوم زمانی دیگر گونه دارد. بولاگان بر آن در دستخیز خولده می‌شوند و لطافت باج دسترس آن شکل می‌گیرد. زبان به ترمی می‌گراید. مجازهای شاعرانه یکی پس از دیگری در دل سخن جاری می‌گردند و سرانجام دیالکتیک در آن به تمامی حضور پیدا می‌کند.

خرد که قید مجامین عشق می‌فرمود

به بوی سبیل زلف تو گشت بویانه

اگر در متن سخن فلسفی، مرتبه‌نهادی نقلی گفتار انوشیروان فلسفهٔ اهر و شعر، سوز و آرزو، پدیده‌ی می‌آید و نیچه این فیلسوف نقد روزگار، مرتبه‌ی انسان مدرن را به آن هشدار می‌دهد. روزتنتی می‌آفریند تا در سررشت این نقلی زندگی کند. در متن سخن عاشقانه و صورفکاهی ما نیز نقلی‌های زاهد ظاهر می‌آید. صورتی آرنده اصولی و عقل و عشق نیز صورت می‌گیرند تا بر این متن سترگ که عقل و عشق زاهد، و عارف هر کدام به رنج‌خوانی مشغولند. زندی سرورزند که دناقی را هستی بدلاند و عقل را با عشق باسوره تا آن جا که نه عشق دایه‌باری کند و نه عقل خویش را لطمه‌ی پرگار و دوجو بدلاند. این سال نتیجه زرتشت افرایمی خود را در عشق و علاقه‌ها زند را زرتشت نیچه بر بنیاد همگان می‌گیرد و بر جوح ما آشیان دارد. زند حافظ شهومی می‌کند. می‌بیند و هستی را در یک فضای سرشار از سکوت آغازین و ازلی به نظاره می‌نشدند. بی آنکه در محملی جاری گرفته باشد. او از بی‌سوختی سخن می‌گوید و صورت چهره‌ها در بی‌سوختی می‌ماند. لایم گفتن کار لوست و سرانجام آنکه او بر هر چیز نقش زندانه می‌زند تا این مفهوم در دل اندیشه‌ی ایرانی پرورده و پیراسته گردد. این سال زند حافظ مفهومی می‌شود سترگ و وظیفه که در دست جغرافیای معرفی ما مستم می‌یابد و این زند با حضور خود در متن سخن اندیشیده‌ی شاعرانه‌ی حافظ سخن گوی و جهان‌ان ایرانی می‌گردد.





آبیدا حمدی

دومینک بروکشا استاد کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آکسفورد از بدری انگلیسی و مادری ایرانی متولد شد. خودش می‌گوید: «به قول ایرانی‌ها دوره گمشده» بروکشا سال ۱۹۷۴ میلادی در آلمان به دنیا آمد. اما تحصیلاتش را در انگلیسی به پایان برد و هم اکنون ادبیات فارسی را در دانشگاه شرق‌شناسی دانشگاه آکسفورد تدریس می‌کند.

دومینک بروکشا یکی از استادان مدعو از کشور انگلیس برای سخنرانی در سمینار سه روزه استادان زبان و ادبیات فارسی است و موضوع سخنرانی‌اش «مطالعات زبان فارسی در دانشگاه آکسفورد: از ۱۶۳۶ تا امروز» است.

آقای بروکشا، الان در دانشگاه آکسفورد چه چیزهایی را به دانشجویان رفته زبان و ادبیات فارسی آموزش می‌دهید؟

یکی از برنامه‌های ما آموزش زبان فارسی است که از متون مختلف و از کتاب‌های دستور زبان به دانشجویان آموزش می‌دهیم و مقداری هم تدریس متون کلاسیک فارسی است. پروژه متون ادبی که شامل حافظ و سعدی و نظامی و شاهنامه فردوسی می‌شود.

الان چه تعداد دانشجوی در دانشگاه آکسفورد مشغول زبان آموزی هستند؟

الان تقریباً می‌شود گفت که حدود بیست نفر دانشجوی زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه آکسفورد می‌خوانند. یعنی این تعداد نسبت به دیگر دانشگاه‌های انگلستان بیشتر است.

شما چند سال است که در دانشگاه مشغول تدریس زبان فارسی هستید؟

من الان حدود ۵ سال است که زبان فارسی تدریس می‌کنم و دو سال است که به طور رسمی به استخدام دانشگاه آکسفورد درآمده‌ام.

تک‌زبان زبان فارسی‌تان را در چه سالی و در کجا گرفتید؟

تک‌زبان زبان فارسی را هنوز نگرفته‌ام چون رساله‌ام را تمام نگردادم و به دانشگاه ارائه ندادم. آن‌شا بالله سال آینده از رساله خود دفاع خواهم کرد. تمام تحصیلات دانشگاهی‌ام از آکسفورد است.

موضوع رساله شما قرار است در چه زمینه‌ای باشد؟

مقیاسه غزل فارسی در عصر حافظ و غزل عربی در

اوایل عصر عباسی در بغداد.

کدام یک از شاعران عصر عباسی مورد توجه شما هستند؟ و کدام‌شان را با حافظ قابل مقایسه می‌دانید؟

برای بررسی عصر حافظ، مقایسه‌ای بین حافظ و عبید زاکانی خواهم داشت و اشعارشان را با اشعار ابونواس و

## گفت‌وگو با دومینک بروکشا

# مطالعات زبان فارسی در دانشگاه آکسفورد: از ۱۶۳۶ تا امروز

العباس بن الاحمر مقایسه می‌کنم. آبیا بحث شما در زمینه طنز و غزل حافظ و طنز در اشعار عبید زاکانی است یا...

از یک نظر بحث طنز در آثار این دو شاعر مورد نظر من هست و از طرف دیگر تمرکز کم روی جنبه درباری شعر هاست. یعنی جنبه معنوی و عرفانی را مدنظر نداشتم. شباهت‌هایی که بین حافظ و ابونواس دیده‌اید، از چه منظر قابل ارزیابی است؟ یا چه تفاوت‌هایی این دو شاعر می‌توانند داشته باشند؟

خوب تفاوت‌ها در شکل و ساخت غزل‌ها هست. تقریباً می‌شود گفت که در عصر حافظ فرم غزل در واقع یک جنبه رسمی داشته، یعنی شعر اغلب برای دربار و درباریان ایران سروده می‌شده. از نظر شکل و ظاهر هم غزل آن عصر، بین ۸ تا ده بیت بود و قافیه‌ها هم نقش اساسی در پذیرش این اشعار و نقش ویژه‌ای در زیبایی‌شناسی غزل ایفا می‌کردند. ولی در عصر عباسی غزل عربی که برای اولین بار در شهرهای مختلف سروده می‌شد و از تمرکز گریز در پایتخت پادشاهان فاصله می‌گرفت ابتدا فرم خاصی نداشت. مثلاً غزل‌هایی بود که سه - چهار بیت تا پنج بیت داشت، غزل‌های دیگری هم بود که مثلاً به سی - سی و پنج بیت می‌رسید. شاید یکی از جالب‌ترین قسمت کار این است که معیارهای زیبایی در عصر عباسی و در غزل عربی خیلی با معیارهای زیبایی معشوق و معبود در غزل‌های فارسی تفاوت دارد. چون عرب‌ها اصالت بدوی داشتند و مردمی صحرانشین و پادیه‌نشین بودند و معیارهای زیبایی‌شناسی‌شان در غزل برگرفته از زندگی در صحرا بوده است. یعنی محبوب و معشوق را بسیار زیبا می‌دیدند و شبیه به غزال می‌دیدند یا چشمانش را شبیه چشمان آهو.

به نوبه معشوق در شعر آن عصر اموری و آسانی بوده؟

بله، همین طور است. اینکه معشوق زمینی باشد یا آسمانی، چه شاخصه‌هایی در شعر حافظ و شعر ابونواس دارد؟ چون معشوق حافظ هم در بسیاری از غزل‌هایش آسمانی است.

غزل‌های ابونواس که تقریباً جنبه عرفانی و معنوی ندارد بیشتر معشوقی که وصف می‌شود، معشوق زمینی است. اصلاً مضمون اغلب غزل‌های ابونواس پیرامون موضوعات زمینی است اما حافظ،

## دومینک بروکشا: ۵ سال است که زبان فارسی تدریس می‌کنم و دو سال است که به طور رسمی به استخدام دانشگاه آکسفورد درآمده‌ام

هم معشوق زمینی را در غزل‌هایش ستایش می‌کند و هم معشوق آسمانی را. یعنی حافظ شاعر فوق‌العاده‌ای است که اشعارش از جنبه‌های گوناگون قابل تامل و تفسیر است.

شما اشعار حافظ و ابونواس را براساس ترجمه‌هایی که در زبان انگلیسی دیده‌اید، مورد مقایسه قرار داده‌اید. با اشعار هر یک از این دو شاعر را به زبان اصلی خوانده‌اید و یک مطالعه تطبیقی انجام داده‌اید؟

نه. خیر، من اشعار هر یک از این دو شاعر را در زبان اصلی خوانده‌ام.

یعنی شما زمان خوبی را هم می‌دانید؟

بله. من عربی را مقداری در آکسفورد و مقداری هم در کشور اردن آموختم. من حدود یک سال در اردن زندگی کردم و حدود چهار - پنج سال هم چین درس خواندن به آموزش عربی هم مشغول شدم.



فارسی را از طریق مادران آموخته‌اید یا زبان فارسی را هم در دانشگاه آکسفورد یاد گرفته‌اید؟

نه من آموزش زبان فارسی را از چهارده - پانزده سالگی شروع کرده بودم.

مقاله‌ای که قرار است در این کنفرانس ارائه کنید در چه زمینه‌ای است؟

موضوع مقاله من در این سمینار سه روزه، چون کنفرانس در زمینه آموزش زبان فارسی است، یک مقاله کوتاه‌ای است درباره تاریخ آموزش و تدریس زبان فارسی در انگلستان از ۱۶۳۶ میلادی تا امروز. تمرکز این مطلب هم روی دانشگاه آکسفورد است.

مثلاً اینکه عازم دیدار از موزه حسید و فرصت چندی برای ادامه گفت‌وگو دارید.

همین طور است. فکر می‌کنم گفت‌وگو در این زمینه کافی است. از من به عنوان یک استاد جوان، دیگر چه چیزی می‌توانید بپرسید؟

می‌توانم از وضعیت شعر و زبان فارسی در انگلیس بپرسم چرا شعر فارسی به اندازه لازم در انگلستان شناخته شده است. می‌دانید که انگلیسی‌ها فارسی نمی‌توانند بخوانند و باید شعر فارسی را از طریق ترجمه بخوانند و بفهمند. قبلاً رباغیات خیام در انگلیس خیلی خیلی محبوبیت داشت و هنوز هم دارد که ترجمه فیتز جرالد از خیام را هم می‌شناسید ولی الان بیشتر مولوی است که مورد توجه قرار می‌گیرد.

دلیل گرایش به اشعار مولانا را در چه می‌بینید؟

خوب، اشعار مولانا طین این دوره بیشتر ترجمه شده است. شاید جنبه عرفانی و معنوی اشعار مولانا و عمیق تر بودن این اشعار باعث شده که مورد توجه بیشتر علاقه‌مندان قرار بگیرد.

ترانه‌ای که مدونا خواننده مشهور آمریکایی از اشعار مولانا اجرا کرد در ایتالیا به مولانا مؤثر بود؟

نه. فکر نمی‌کنم البته شاید بخشی از نسل جوان و علاقه‌مند به مدونا یا شنیدن این اشعار به سراغ مولانا بیایند ولی تعدادشان آن قدر نیست که تعیین‌کننده باشند.

پس دلیل این استقبال از مولانا چیست؟

به نظر من ترجمه غزلیات مولوی در هر کنفرانسی امروز پیدا می‌شود و این گرایش به مولانا هم به دلیل ترجمه‌های متعدد از اشعارش و انتخاب زبان ترجمه بسیار تأثیرگذار بود. چون در گذشته ترجمه‌هایی که وجود داشت با زبان فصیح و کلاسیک بود در حالی که ترجمه‌های امروز از مولانا خیلی به زبان روزمره نزدیک است و قابل فهم برای همه است. فیتز جرالد و نیگلسون و استادان دیگری که غزلیات مولانا را ترجمه کرده بودند، شاید خیلی صادقانه بود و به متن اشعار هم خیلی وفادار بودند. ترجمه‌های امروز کمتر به متن اصلی وفادار است و امتیازی که این ترجمه‌ها دارد نزدیک به زبان مردم عادی است و گاهی برداشتی آزاد از اشعار مولانا است.



## رسم الخط زبان فارسی

نصرین عاصم، یحیی بن یعمر و خلیل بن احمد در نقطه گذاری حركات و اعراب آن اصلاحتانجام داده بودند. ایرانیان حروف «پ»، «ژ»، «ج» و «گ» را با تغییر در حرف های موجود عربی ساختند اما برای واکه های پیشین یعنی «ه، و، چ» آری نیندیشیدند.

بنابراین مشکلات رسم الخط و با درست تر آن که «رسم الخط زبان فارسی را می توان ابتدا در عاریتی بودن آن و پاره نیندیشی برای حركات و علم تطابق واج ها با حروف جست و جو کرد اما موضوع به همین جا ختم نمی شود، متصل و یا منفصل نویسی نیز یکی دیگر از حوزه های مورد اختلاف است.

در زبان فارسی ترکیب و اشتقاق با فرار گرفتن کلمات مستقل در کنار هم انجام می شود این دلیلی است برای مفصل یا متصل نویسی کلمات که به دو شیوه ساخته می شود، وجود «واژه بست ها» نیز دلیل دیگری برای پیوسته یا جدا نویسی کلمات است. واژه بست ها، عناصری بدون تکیه اند که به پیش یا پس کلمه تکیه دار می چسبند.

پلاتگلیفی کرسی همزه یز یکی دیگر از بحث های مشترک همه ی شیوه نامه های رسم الخط است هم چنین همزه ی پلاتگلیف گاه خود به یک کرسی به نام «ی» تبدیل می شود. کارشناسان می گویند علاوه بر این مشکلات و کاستی های دیرینه ی زبان فارسی عوامل دیگری نیز در پریشانی خط مؤثر بوده اند از جمله می توان به تأثیر فارسی نیز اشاره کرد؛ شعر فارسی همه جا از قواعد و ضوابط عمومی دستور خط فارسی پیروی نمی کند و گاه به ضرورت از قواعد دیگری تبعیت می نماید.

دستور خط فارسی نه برای شعر فارسی بلکه برای تر آن تدوین و تنظیم شده است بنابراین آشفته گی های که شعر به علت عدم مطابقت بدان دامن زده دوباره به نثر معمول نیز بازگشته است.

خطاطان که از دیرباز با هنر خوش نویسی در نگارش شعر و نثر فارسی حرف اول را زده اند - به خصوص پیش از چاپ و انتشار کتب با حروف سری «هیج گاه» می گویند؛ «در سال های حوزه پرهیز نگرده اند، یک کارشناس می گویند؛ «در سال های اخیر تدوین مجموعه، حروف چینی، صفحه آرایی، ویرایش، نمونه خوانی متون و کارهای بسیار دیگری در حوزه ی نگارش و چاپ برعهده ی رایانه قرار گرفته و در نتیجه دایره ی شاغلان به امر چاپ و تکثیر نیز از حلقه سنتی فزاینده است و همین باعث بروز برخی تشنث و رواج اعمال سلیقه های مختلف شده است.» تست ضرورت یکسان سازی خط و توسعه ی تکنولوژی چاپ و نوشتار را در دو بخش می توان بررسی کرد.

۱- ضرورت هایی که خود تکنولوژی و توسعه ایجاد می کند.

۲- ضرورت هایی که صاحبان بی شمار این کالاها به وجود می آورند.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی به حکم وظیفه ای که بر حسب اساستنامه خود در پاسداری از زبان و خط فارسی بر عهده دارد از همان نخستین سال های تأسیس در صدد گردآوری مجموع قواعد و ضوابط خط فارسی و بازنگری و تنظیم و تدوین و تصویب آن ها برآمد و طبق نظر متخصصان امر این مرکز برای رسیدن به منظور خود میوه ی رایز گردیده است. در سال ۱۳۷۲ که ریاست فرهنگستان را دکتر حسن حبیبی بر عهده داشت، کمیسیونی به مدیریت دکتر علی اشرف صادقی و سپس استاد احمد سمعی تشکیل شد. در این کمیسیون طی جلسات متعددی توانست دستور خط پیشنهادی خود را به شورای فرهنگستان تسلیم کند. شورا نیز طی ۵۹ جلسه آن را مورد بحث و بررسی قرار داد و در نهایت تصویب کرد.

همان طوره که عنوان شد بسیاری از کارشناسان تعدد و تکثر در حوزه ی رسم الخط و تدوین شیوه نامه های فراوان را به معنای تشنث و پریشانی در زبان تلقی نمی کنند بلکه آن را یک امتیاز مثبت نیز می دانند. دکتر احمد تمیم داری، عضو هیات علمی

یک پژوهشگر دیربای تنگنای خط فارسی می گویند: «خط فارسی هم همچانگار است و از عهده ی ثبت برخی معسوت ها بر نمی آید و هم برخی صورت ها را به شکل های مختلف ثبت می کند. این ویژگی خط فارسی باعث شده که محققان تلاش های را برای اصلاح آن انجام دهند. برخی نیز در بی تغییر خط بوده اند.»

یک پژوهش در این زمینه نشان می دهد تاکنون ۱۲۰ مقاله دیربای رسم الخط فارسی و یکسان سازی و معضلات آن نگاشته شده که قدمت اولین آن ها به ۷۰ سال می رسد. تعداد کتاب ها و سخنرانی های چاپ نشده در این باره را نیز می توان به ۱۲۰ مقاله مذکور اضافه کرد.

تعداد نشست ها و هم اندیشی ها و پژوهش های متعدد حتی در حوزه ی رسم الخط و شیوه نامه ی شبمی آلی نشان می دهد این چالش جدی است اگر چه برخی با نگاه خوش بینانه به آن می نگرند. دکتر فهزمان سلیمانی دیر شوری گسترش زبان و ادبیات فارسی در این باره می گویند: «ما در متون مربوط به خود شوری گسترش، دست و پرانستار را باز می گذاریم تا از هر شیوه نامه ای که می خواهد پیروی کند. برای ما صرفاً یک دستی متون اهمیت دارد و خود من به شخصه اعتقاد دارم باید در حوزه ی نگارش و رسم الخط تنوع و تکثر وجود داشته باشد. البته خود الفبای زبان فارسی هم مشکلاتی دارد که گویا یکسان سازی را غیر ممکن می کند و تلاش بی نتیجه ی ۶۰ سال گذشته تاکنون در این زمینه برای این ادعا صحنه می گذارد.»

وی در مورد تعداد شیوه نامه های رسمی می گویند: «چند شیوه نامه ی قابل اعتماد و اتکا وجود دارد مثل «شیوه نامه سمت»، «شیوه نامه نشر دانشگاهی» و «فرهنگستان» - حال این که هر یک از این ها مقدر مورد تأیید آریاب فضل قرار گیرد، جای بحث دارد.»

اما دکتر جعفر بافتی عضو هیات علمی شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی چنین اعتقادی ندارد و تأکید وی بر یکسان سازی و یکپارچه نمودن است: «در حال حاضر به تعداد افراد جامعه، رسم الخط و شیوه نامه ی نگارش زبان وجود دارد. هر ناشی برای خود به قاعده ای دلخواه عمل می کند و...»

شیوه نامه فرهنگستان و آموزش و پرورش هم جزو شیوه نامه های رسمی و پذیرفته شده هستند که این تعددها موجب پریشانی و پراکندگی شده است. به اعتقاد من باید تمامی این ها یکپارچه شود که این وظیفه ی فرهنگستان است اگر چه فرهنگستان نیز شیوه نامه ی خود را پیشنهاد کرده اما توانسته است آن را عمومی و همه گیر کند.»

وی نیز همچون دکتر سلیمانی معتقد است زبان فارسی مشکلات خاص خود را دارد و اگر این مشکلات نبود این همه اختلاف سلیقه بروز پیدا نمی کرد، اما نمی توان گفت تنگنای رسم الخط فارسی به ذات زبان ما بر می گردد.

### خط و جوهر زبان

در یک پژوهش انجام شده بر روی ویژگی های خط فارسی تأکید شده است زبان جوهری قرار دارد و خط وسیله ای برای ثبت آن است حال خط نیز با ابداعی است با عاریتی؛ تنوع نخست از آنجایی که گویشوران بومی، صورت های را برای نشان دادن زبان خود ابداع می کنند، معمولاً بین خط و زبان، تطابق کامل وجود دارد اما در گونه دوم از خطی موجود برای ثبت زبان استفاده می شود که در این شیوه چون خط عاریتی در اصل برای ثبت زبان دیگری بوده است، غالباً تطابق کامل بین زبان و شکل مکتوب نمی توان یافت و باید تغییراتی در خط عاریتی انجام گیرد تا این مطابقت به دست نیاید. خط کنونی فارسی از خط کوفی عربی اقتباس شده که خط عربی، خود از خط «آرامی» گرفته شده است و باید عنوان کرد خط آرامی نیز تقابض عمده ای داشته که ابوالاسود دؤلی،



محمد مطلق

«خط» را چه ری مکتوب و پروژ شبی زبان دانسته اند، این مفهوم اگر چه در کنار «گفتار» کلیت زبان یا اندیشه را معرفی می کند اما از آن جایی که در نوشتار اصل بر غیاب مؤلفه و یا به کارگیرنده زبان است، و سوسان در رعایت قواعد آن چند برابر می شود. تثبیت هویت خط فارسی و رعایت قواعد و ضوابط آن حکمی است که به موجب اصل پانزدهم قانون اساسی برعهده ی همگان نهاده شده اما تشنث، اعمال سلیقه و پروژ آشفته گی در نظام خط فارسی به خصوص در این سال ها هم چنان اهل فن را دچار چالش جدی کرده است.

گزارش پیش رو، سعی دارد با اشاره به برخی ویژگی های زبان فارسی به واگوی گویه ای از این چالش ها و اختلاف نظر ها بپردازد.





شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در این باره می گوید:
در زبان فرانسه یا انگلیسی هم، خط لاتین به شکل های مختلف نوشته می شود و به اعتقاد من چنین موضوعی در فارسی هم مشکل محسوب نمی‌شود. امروزه خطاطی به تقاضای نزدیک شده و جنبه‌ی هنری بیشتری پیدا کرده است. این شیوه‌ها و شکل‌های مختلف به زیبایی خط می‌افزاید اما برای آموزش و تدریس مخصوصاً آموزش خارجی‌ها باید یک خط واحد وجود داشته باشد.

وی با اشاره به شیوه‌نامه‌های متعدد عنوان می‌کند: «مرکز نشر دانشگاهی از قدیم یک شیوه‌نامه‌ی خاص خود داشت که نامی در حال حاضر هم رعایت می‌شود یا نه اما باید عرض کنم برخی از استادان هم اجازه نمی‌دهند متون آن‌ها به شیوه‌های جدید چاپ و منتشر شود. برخی اعتقاد دارند خط فارسی باید هم چون گذشته «پوسته نوبسی» باشد.»

دکتر تیم‌داری خود یا جلدنویسی موافق است، امن یا جدانویسی موافق و برای آن هم دلایل زیادی دارم. از جمله این که برای تدریس به خارجی‌زبان‌ها راحت‌تر است، به زیبایی خط می‌افزاید و مهم‌تر این که کلمات استقلال خاص خود را پیدا می‌کنند. در حالی که پیوسته‌نویسی از جمله در زمینه آموزش مشکلات زیادی ایجاد می‌کند و ترموز نمی‌داند چه کلمه‌ای را باید پیوسته و چه کلماتی را جدا بنویسد.»

وی با اشاره به برخی مشکلات خط فارسی توضیح می‌کند: «برخی مشکلات زبان فارسی مثل شکل نوشتن ترکیبات، واقع مشکل بسیاری دیگر از زبان‌ها نیز هست اما می‌توان به کلماتی دیگری نیز اشاره کرد که در خط فارسی بیش تر خود را نشان می‌دهد به طور مثال این که زبان فارسی حرکت ندارد اگر چه خود عرب‌ها نیز این مسأله را خیلی رعایت نمی‌کنند و حتی در سخنرانی‌ها سعی دارند این حرکات را آشکار سازند و در انتهای کلمات وقف کنند. ما داریم از زبان عربی کمک می‌گیریم تا به آینده از حرکات استفاده کنیم اما از طرفی هر کس هم می‌خواهد خط جدیدی به وجود بیاورد باید فقط صحیح آن را از اهل فن بشنود البته این موضوع خیلی در آمگ عبادت کتب نمی‌کند.»

برخی از متخصصان به طور خاص شیوه‌ی نگارش خط فارسی را تحت تأثیر هنر خوش‌نویسی می‌دانند و تاریخ استفاده از حروف سری را برپایهٔ این چنین جابگه این هنر و در نتیجه شیوع شیوه‌نامه‌های نامنحویان با زبان فارسی در نظر گرفته‌اند. استاد مشفق کاشانی رئیس شورای شعر و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این باره می‌گوید: «ما در گذشته استادان خط بسیاری داشته‌یم که هنر آن‌ها توسط حروف سری به خط افتاد اما خوشخانه پس از انقلاب طوری به این موضوع توجه شده که در حال حاضر می‌توان گفت در هر شهرستان دور افتاده‌ای جوانان بسیاری وجود دارند که به درجات بالایی از هنر خوش‌نویسی رسیده‌اند. این جوانان شیوه‌ها و اسلوب‌های تازه‌ای را به واسطه قدرت خلاقیت خود ابداع کرده‌اند که اگر چه ریشه در خطاطی گذشته دارد اما نگاهی نو در آن موج می‌زند.»

وی معتقد است نگارش زبان فارسی و شیوه‌نامه‌های متعددان به طور مستقیم زیر نفوذ هنر خوش‌نویسی به وجود آمده که نه تنها جای‌گرایی نیست بلکه می‌توان گفت کاربردها و زیبایی رسم الخط زبان فارسی را هم گسترش داده است. مشفق کاشانی پیشنهاد می‌کند: «الان با توجه به استقالی که نسبت به خطاطی وجود دارد اگر بتوان متون درسی را خوش‌نویسی کرد، می‌توان امیدوار بود در آینده، هم رسم الخط و هم خطاطی پیشرفت مضامفی داشته باشد.» وی عنوان می‌کند: ایکی از محسنات متون درسی پیش از انقلاب و پیش از حروف سری این بود که به شیوه‌های مختلف، خطاطی می‌شد. این موضوع روی خط دانش آموزان تأثیر مشخصی داشت اما درحال حاضر بسیاری از دانشجویان ما هم بدخط هستند اما امپارولیم با گسترش این هنر بتوان شاهد تنوع و تکثر و زیبایی بیش از پیش خط فارسی بود.»

هم چنان که عنوان شد هنوز نه رویای دید متخصصان و نه تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌های آن‌ها دربارهی خط زبان فارسی هم‌خالی ندارد. آیا می‌توان تکنولوژی نوین چاپ و تدوین متون را آماده کرد؟ در مقابل آن تکنولوژی جدید باید کردهٔ آیا ترویج هنر خوش‌نویسی می‌تواند راه چاره باشد؟ کدام یک از این گزینه‌ها به اعتلاي خط فارسی خواهد انجامید؟ موضوع آموزش را چگونه می‌توان با این مفاهیم پیوند داد؟ آیا تکنر و مدد در این حوزه مفید خواهد بود یا خیر؟ و ده‌ها پرسش دیگر که هنوز پاسخی قطعی برای آن‌ها وجود ندارد و هم چنان بر مدار ذهن می‌ماند هر فارسی‌زانی که قلم در دست می‌گیرد در حال چرچش است.

## از زبان آموختگان غیر ایرانی

رژیا ملکی



رژیم‌ملکی

دومین نشست «آموزش زبان فارسی» روز گذشته هم‌زمان با دو نشست «زبان فارسی در جهان» و «مسائل و مباحث زبان فارسی» در چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی برگزار شد.

عضوی هیأت ر‌سمنی این نشست «محمدجعفر باغفی» از ایران، «دومینک بوکاچ» از انگلستان، «مصلح محمددوره» از افغانستان و «ویکتور لکنک» از ژناب بودند که دو ساعت به همراه حاضران به ارائه مقاله‌ی «تغی استاد زبان فارسی گوش فرا دادند. ارائه مقاله‌ی که از درجه‌ی دشواری متون آموزش زبان فارسی به غیرایرانیان توسط پروفسور از ایران آغاز شد و با «شیوه‌ها و ابزارهای نو در آموزش زبان فارسی» از ارمنستان، تجربه‌ی تدریس فارسی در رشته‌ی روابط بین‌المللی دانشگاه قازان، «تدوین راهبردی ساختارهای دستور فارسی برای آموزش زبان فارسی به زبان‌آموزان غیرایرانی» «اتوالی و ضعف‌های ابوعبرها در آموختن فارسی» و «معرفی کتابخانه رایانه‌ای زبان فارسی به ترتیب از روسیه، چین و ایران به بحث آزاد گذشته شد.

**۱** درجه دشواری متون آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان یکی از عوامل مؤثر در فرایند درک نوشتاری و درجه‌ی دشواری متون آموزشی زبان هدف است که به‌زاد قسنوولی از ایران به عنوان اولین مقاله‌خوان دومین نشست آموزش زبان فارسی به آن اشاره کرد. وی در مقاله‌ی خود آورد «حقیقات موجود در آموزش مهارت خواندن و درک معنی، به واسطه‌ی راه‌های هیستنگی معین درجه‌ی دشواری متن با میزان موفقیت مهارت مورد نظر مطروفاً استناد ایرانی با در نظر گرفتن موضوع اهمیت این موضوع گفت: «تدریس مقدماتی نگارنده از بررسی کتاب‌های تدریس شده، به عنوان‌گان غیرفارسی زبان خارجی از همهٔ جامه‌های سطح دشواری متون است.»

وی در مقاله‌ی خود تأکید کرد، «عدم تناسب متون با سطح دانش و توانایی فراگیرندگان غیرفارسی‌زبان مانع توسعه‌ی مؤثر توانایی مهارت درک می‌شود و نتایج زیبار آن، نه تنها درسطوح آموزشی قابل پیش‌بینی است، بلکه می‌تواند منجر به تزلزل انگیزهی لازم برای یادگیری زبان فارسی شود.»

قسنوولی در این مقاله با در نظر گرفتن این موضوع به طرح دو فرضیه پرداخت، «اول این که: میان درجه‌ی دشواری متون آموزشی زبان فارسی و توانش زبانی گوشرویان غیرایرانی زبان فارسی شافل به تحصیل در دانشگاه فردوسی مشهد رابطه‌ای وجود ندارد.

و دوم: میان سزالات درک مفاهیم متون کتاب‌های آموزشی زبان فارسی و مهارت‌های واقعی درک، رابطه‌ای وجود ندارد.»

وی افزود: برای آزمون این فرض‌ها به ترتیب از دو روش تعیین درجه‌ی دشواری متن و تحلیل محتوای سزالات بر مبنای مهارت‌های واقعی و درک استفاده شد.

به گفته قسنوولی نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند برای اصلاح متون و سزالات مربوط با متون آموزشی به کار برده شود.

**۲** «نورات آرکاتیان» دومین سخنران این نشست بود. «ارمنستان» وی با تسلط کامل به زبان فارسی در مورد آموزش زبان فارسی باگوش ویژه به ارائه مقاله خود پرداخت.

وی با اشاره به این که آموزش زبان فارسی در دانشگاه دولتی ایروان برای اولین بار در سال ۱۹۴۰ به صورت یکی از مواد درسی دانشگاهی درکسی زبان‌شناسی عمومی و تطبیقی تعیین شده، گفت: «در سال‌های بعد، فرقیابش ایجاد ششرووی زبان و ادبیات فارسی در بعضی از دانشگاه‌های آزاد و توتیبده نیز دایر شد.»

آرکاتیان با اعتقاد به این که هیچ زبانی را نمی‌توان بدون قواعد دستوری فراگرفت، اظهار کرد: «آموزش زبان فارسی در کلیه‌ی دانشگاه‌ها اساساً به پوری از روش دستوری - ترجمه‌ای، «دوش سنتی زبان آموزی در اتحاد شوروی سابق، ادامه پیدا کرد، با این تفاوت که در تمامی مراحل آموزش زبان فارسی از الفباآموزی تا سطوح عالی تر متونی انتخابی از ادبیات زبانی فارسی به صورت گنجینه‌ی از آثار نظم و نثر دوره‌های کلاسیک تا عصر حاضر مناسب با توانی دانش‌اندوزی زبانی به دانشجویان رشته‌ی ایران‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان تدریس می‌شود.»

وی اظهارنوش مستوفی: «توجه‌ای برای تدریس زبان فارسی را دارای موانع بسیار خوانند و ادامه داده، «این روش یادگیری زبان را معادل یادگیری هر موضوع آکادمیک دیگر می‌داند، «در نتیجه فهرست طوفانی از واژه‌ها و قواعد دستوری باید به خاطر سپرده شود و تأکید بیش تر در زبان نوشتاری است تا زبان گفتاری.»

وی افزود: تجربه نشان داده است که بسیاری از دانشجویان ممتاز از چگونگی کاربرد زبانی می‌خبرند و حتی در زبان نوشتاری نیز با یادگیری واژه‌های مترادف غیرفعال در زبان فارسی کنونی در میان آندشه‌میباشان این صورت‌کنی نیز کمبود دارند.»

این مهمان ارمنی گفت: «اخیراً کرسی ایران‌شناسی اقدام به تدوین کتاب آموزش زبان فارسی برای دوره‌های دانشگاهی از طریق اسطاق دستور زبان فارسی -ارمنی کرده است و با همکاری گروهی از مدرسان کرسی، این کتاب تدوین و برپای وقع ایراده‌ها در معرفی دوره یک ساله‌ای آزمایش قرار داده شده است.»

**۳** «ایلیاد نصیب‌الله» از روسیه، سومین سخنرانی بود که به دلیل حضور دانشن «محمدجان شگوری» از تاجیکستان به ارائه مقاله خود پرداخت. شگوری قرار بود در مورد اصلاح آموزش زبان و ادبیات فارسی در مکتب تاجیکی به سخنرانی بپردازد.

ایلیاد در مقاله‌ی خود آموزش زبان فارسی را مهم‌ترین وسیله‌ی برقراری روابط دوستانه، «میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاتارستان و فرداوسن روسیه عنوان کرد.

وی با اشاره به این که ایجاد گروه زبان فارسی در رشته‌ی روابط بین‌المللی دانشگاه دولتی قازان، در سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، واقعه‌ی بسیار مهمی تلقی می‌شود، افزود: «دانشگاه دولتی قازان یکی از قدیمی‌ترین مؤسسه‌های علمی و آموزشی در روسیه به‌شمار می‌آید که در آن از سال‌های آغازین قرن نوزدهم به آموزش عمیق زبان فارسی توجه بسیاری شد.»

وی با بیان این که در حال حاضر این گروه هشت دانشجو دارد که هفته‌ا ۱۲ ساعت فارسی می‌آموزند، ادامه داد: «هر هفته برای دانشجویان به پنج بخش تقسیم می‌شود. شش ساعت براساس کرسی درس لاکتف، دو ساعت خواندن روزنامه، دو ساعت خواندن متون کلاسیک، دو ساعت شناسای برنامه‌های تلویزیونی ایران (عصرهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی، مذهبی، فرهنگ و سرپال) و دو ساعت آموزش قواعد نحری که همه‌ی این فعالیت‌ها برای کسب مؤثرترین نتایج در تحصیل زبان فارسی انجام می‌گیرد.»

**۴** چهارمین سخنران این نشست به ارائه مقالهٔ «سوی «مدرسهٔ حبیب‌الله» از کنوس چین اختصاص یافت. وی که با پایه کارگردان روزهای حماسی و لجه‌ی شیرین ازنگی مقدادی خود در ارائه کردهٔ آموزش زبان فارسی در سین کینگ چین را دارای سلفه‌ی طولانی‌خونده‌ی گفتنی «حبیب‌الله» در قزو، وسطار و جامعه‌ی ابوعبره‌زبان‌های سین کینگ زبان فارسی به عنوان زبان خطی زبان ابوعبروی مورد استفاده قرار می‌گفت.

وی سپس به توانایی‌های ابوعبران در آموختن زبان فارسی اشاره کرد و گفت: «در ترکیب زبان ابوعبروی کنونی بیش از ۳۰۰۰۰۰ کلمات و اصطلاحات را کلمات اقتباسی فارسی تشکیل می‌دهند. ابوعبروان از خط عربی نیز استفاده کنند و به همین دلیل در بین خط‌های فارسی ابوعبروی تفاوت‌هایی جزئی وجود دارد. حبیب‌الله ادامه داد: «زبان فارسی از سال‌ها قبل در پیش روی فرهنگ ملی ابوعبرها نقش پیشناز را ایفا کرده است و ابوعبرها نیز به آموزش آن علاقه‌ی بی‌اندازه دارند که آن را می‌توان قوی محرکه در آموختن زبان فارسی دانست. ولی نظر حمله‌بندی، نیز فارسی و ابوعبروی باهم زیادی دارند که از بر کردن آن‌ها برای ابوعبرها نسبتاً آسان است.»

وی با اشاره به ضعف‌های ابوعبران در آموختن زبان فارسی گفت: «قدر ابوعبروی هشتت صوت وجود دارد که هر یک از آن‌ها با یک حرف و آواز نوشته می‌تواند. اما در فارسی سه صوت با حرف و سه صوت کوتاه با نشانه‌گذاری نوشته می‌شود که ابوعبرها نمی‌توانند به زودی به این صوت‌ها عادت کنند.»

وی حرف‌های ص، ش، ط، ظ، ذ را جزو حروفی عنوان کرد که در ابوعبروی به کار گرفته نمی‌شود و یادگیری چنین حروف و قواعدی برای ابوعبران مشکل است. ریاست این جلسه‌ی دوسامته را نیز «محمدجعفر باغفی» استاد دانشگاه فردوسی مشهد به عهده داشت.



مجلهٔ «تاریخ و فرهنگ»

کتابخانهٔ شماره ۱۲۵، چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۳۸۲، ۹

## تاریخچه فرهنگستان ادب فارسی

**محمد مطمن**

زمانی که نمایندگان وزارت خانه های جنگ، معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۳۰۳ انجمنی را برای رسیدگی به وضعیت واژگان نوظهور در رسته‌ها و امور نظامی تأسیس کردند، خود به روشنی نمی دانستند که عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در حوزه‌ی زبان و ادبیات فارسی را پایه‌ریزی می‌کنند. نمره‌ی تلاش ۸ ساله‌ی انجمن‌های ادبی دوره‌ی قاجار که در کورگان مشروطه این انجمن را پدید آورده بود، وضع سبهد واژه از جمله هوایما، فرودگاه، خلیان، آتش بار، هواسنج و بادسنج بود.

انجمن مذکور در سال ۱۳۱۱ یا تشکیلاتی جدید به نام «انجمن وضع لغات و اصطلاحات علمی» به ریاست «دکتر عیسی صدیق اعلم» رئیس دارالمعلمین عالی، حیاتی تازه یافت و به عنوان مرکزی برای فعالیت فوق برنامه‌ی دانشجویان در شعبه‌های علوم طبیعی، علوم ریاضی، فیزیک، شیمی، ادبیات و فلسفه معرفی شد.

انجمن جدید به راهنمایی استادان خود یعنی



«حسین گل‌کلاب»، «دکتر محمود حسینی» و «دکتر رضاناده شفق» توانست نا سال ۱۳۱۹ چهارصد واژه‌ی نورا پیشنهاد دهد که شماری از آن‌ها هنوز در کتاب‌های دومی دبیرستانی و دانشگاهی دیده می‌شود. اما اندیشه‌ی تأسیس سازمانی رسمی به نام فرهنگستان که هدف اصلی آن شناندن واژه‌های فارسی به جای کلمات و ترکیبات عربی بود، در ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ صورتی عملی به خود گرفت و فرمان تشکیل آن صادر شد.

**فرهنگستان اول و دوم**
در سال ۱۳۱۳ وزارت معارف که انجمن‌هایی از کارشناسان و اربابان فن برای معادل‌سازی در واژگان فارسی برپا کرده بود و آکادمی طب نیز جزئی از آن به حساب می‌آمد، اساسنامه‌ای تألیف نموده که در آن وظایف فرهنگستان منحصراً وضع واژگان تعریف نشده بود. این پیش‌بینی که نوعی الگوبرداری از آکادمی‌های (فرهنگستان) دیگر کشورها بود نوید می‌داد که در آینده حوزه‌ی فعالیت فرهنگستان زبان و ادب فارسی بسیار گسترده‌تر از معادل‌سازی و واژه‌گزینی خواهد بود، اما برخی بی‌توجهی‌ها و کارشکنی‌ها تأسیس کامل آن را یک سال به تعویق انداخت و در سال ۱۳۱۴ «محمدعلی فروغی» حکم رسمی ریاست فرهنگستان را دریافت نمود. پس از وی به ترتیب «حسن وتوقی» (آذر ۱۳۱۴)، «علی‌اصغر حکمت» (اردیبهشت ۱۳۱۷)، «اسماعیل مرآت» (مرداد ۱۳۱۷)، «عیسی صدیق اعلم» (مهر ۱۳۲۰) بار دیگر «محمدعلی فروغی» (آذر ۱۳۲۰) و «حسن سمیعی» - ادیب‌السلطنه (۱۳۲۱) عهده‌دار این مسؤلیت شدند. اعضای فرهنگستان در این دوره به دو بخش پیوسته

و وابسته تقسیم می‌شوند که اعضای پیوسته‌ی آن به قرار زیر بودند:

«ملک‌الشعراى بهار»، «علی اکبر دهخدا»، «محمدعلی فروغی»، «ابوالحسن فروغی»، «سید نفیسی»، «سیدنصرالله تقوی»، «رضازاده شفق»، «بدیع‌الزمان فروزانفر»، «علی‌اصغر حکمت»، «عبدالعظیم خان قریب»، «حسین گل‌کلاب»، «غلامرضا رشید یاسمی»، «رهنما»، «ادیب‌السلطنه سمیعی»، «صدیق اعلم»، «عصاره»، «فاطمی»، «قاسم‌غنی»، «ابراهیم پورداووده»، «عباس اقبال آشتیانی»، «محمد حجازی»، «محمد قزوینی»، «محمد ندین»، «مسعود کیهان»، «چالاب همایی»، «فلام علی رعدی آذرخشى»، «احمد بهمنیار»، «حسنعلی مستشار»، «سرهنگ مقتدره»، «مصطفی عدل»، «علی‌اکبر سیاسی» و «محمود حسینی».

گروه‌های این فرهنگستان نیز عبارت بودند از: گروه لغت، گروه دستور، گروه اصطلاحات پیشه، گروه کتب قدیم، گروه اصطلاحات ولایتی، گروه راهنما، گروه خط و باید افزود که بعد از مدتی این گروه‌های هفت‌گانه به گروه‌های شش‌گانه‌ی زیر تغییر یافتند: گروه فرهنگ فارسی و واژه‌گزینی و گردآوری واژه‌ها، گروه دستور زبان، گروه جغرافیا، گروه دستور، گروه لغت و گروه کتب قدیم.

جالب آن که در میان اعضای وابسته به این فرهنگستان اسامی «کریستین سن» (انمارک)، «هانری ماسه» (فرانسه)، «بان ریچکا» (چک و اسلواکی)، «محمد رفعت پاشا» (مصر)، «آرتیروپو» (آمریکا)، «محمد اقبال» (پاکستان)، «برنس ویولوسکی» (روسیه) «ورا-یکلسون» (انگلستان)، «هادی حسن» و «محمد حسین هیکل» (مصر) نیز به چشم می‌خورد. فضای سیاسی آن زمان فرهنگستان اول را ناگوار ساخت بیشتر اوقات خود را صرف انتخاب معادل برای اصطلاحات و واژگان خارجی کند که به اعتقاد کارشناسان در این راستا توانست مهارت‌کننده و یازدارانده باشد. از این رو عربی زدایی و سره‌آفرینی منطبق با طبیعت زبان فارسی و تحول زمانه فعالیت فرهنگستان اول را اقبال عمومی مواجه ساخت اما رفته رفته پس از سال ۱۳۱۷ از یوپایی و نکاپ افتاد تا این که در سال ۱۳۳۳ رسماً تعطیل شد. از جمله فعالیت‌های فرهنگستان اول می‌توان به تصویب ۲۰۰۰ واژه، انتشار نامه‌ی فرهنگستان در چند دوره به سردبیری «حیبی بختیاری» و تأسیس انجمن ادبی فرهنگستان به ریاست ملک‌الشعراى بهار؛ و نیز تشکیل کمیسیون‌های تخصصی زبان شناسی، باستان‌شناسی، قواعد و دستور زبان، تئاتر، موسیقی و ترانه‌ها اشاره نمود.

«حسن قریبی» مدیر روابط عمومی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی درباره‌ی فرهنگستان دوم و سوم می‌گوید: «فرهنگستان دوم که در زمان پهلوی شکل گرفت تا سال ۱۳۵۷ به حیات خود ادامه داد. فرهنگستان سوم نیز پس از انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۶۹ تشکیل شد. پس از انقلاب مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ادامه‌دهنده‌ی مطالعات فرهنگستان دوم بود که تمامی استاد و کارهای نیمه‌تمام نیز همان جا باقی مانده است و این جای تأسف دارد که سوابق، مواد خام و ابزار اولیه‌ی کار ما هنوز وارد سیستم خود ما نشده است.»

**فرهنگستان سوم**

پس از انقلاب اسلامی طبق مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی قانون منع استفاده از واژگان بیگانه در دستور کار فرهنگستان قرار گرفت، اما تلاش در این حوزه آنچنان پررنگ شد که فعالیت‌های دیگر عالی‌ترین و قدیمی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در حوزه‌ی زبان و ادبیات فارسی را زیر سایه‌ی خویش محو کرد؛ اگرچه بخش عمده‌ای از عدم آگاهی نسبت به عملکرد گروه‌های دیگر به جز

## همه چیز درباره‌ی فرهنگستان ادب فارسی

گروه‌های واژه‌گزینی به دلیل فعالیت پایه‌ای و دور از هیاهوی این گروه‌ها نیز می‌باشد.

گروه‌های فرهنگستان کنونی عبارتند از: گروه دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی، دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، دستور، زبان‌های ایرانی، فرهنگ‌نویسی، زبان و رایانه، گویش‌شناسی، نشر آثار و گروه واژه‌گزینی که به موازات این گروه‌های تخصصی، گروه‌های دیگر نیز تحت عنوان نظام اطلاع‌رسانی و نشر فعالیت دارند. از آن جمله می‌توان به کتاب‌خانه، روابط بین‌المللی، روابط عمومی، انتشارات، کتاب و رایانه اشاره کرد.

**واژه‌گزینی**

فرهنگی جامعه مطرح است و از سوی دیگر کادر جامعه از ستر تاریخ هر لحظه آن را مدخوش تغییر نمی‌کند، واکنش در برابر آن از سوی فرهنگتان همیشه یکسان نبوده است. برخی معتقدند ماهیت زبان و توانایی‌های آن خود را در تغییر مداوم نشان می‌دهد و برخی نیز ایستایی آن را همچون حفظ ارزشمندترین سنت‌ها می‌دانند و چالش دیگر در پالودن اسم و بومی کردن فرهنگ آن با ورود ابزار و با مظاهر تکنولوژی شکل

می‌گیرد. آری می‌توان در مقابل هجوم ابزار و مفاهیم نوین اندیشه ایستاد و این فرصت را به فرهنگستان داد که پس از پالایش واژه‌گزینی و تصویب و تدوین هادفن زبان جامعه گشوده شود؛ در این وضعیت متعارضی که انتخاب قطعی هر گزینه را با تولید مواجه می‌سازد، یک چیز قطعی به نظر می‌رسد و آن این که اگر قرار است زبان در راستای زمان، خود را توسعه دهد، نباید این توسعه آن قدر سریع و غیرطبیعی باشد که همچون سرطانی تمامیت آندام آن را با خطر مواجه سازد. اسیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهور در این راستا معتقدند: «فرهنگستان زبان و ادب فارسی موفق است زبان فارسی را هماهنگ با توسعه‌ی سریع دانش و فن در جهان امروز توسعه دهد، نگهدارنده‌ی این میراث ارزشمند و افزایش نشاط و نیروی آن مستلزم کارآمد ساختن و روزآمد نگه داشتن آن است و این همان وظیفه‌ای است که در جمهوری اسلامی ایران برعهده‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی نهاده شده است.»
دکتر اعتقاد عادل» رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز معتقد دارد: «در دنیای رو به توسعه‌ی امروز، کار زبان علمی یک کشور زبان علم و فن نشود و تنها در دایره‌ی محاورات عادی نوده‌ی مردم و یا حوزه‌ی ادبیات قدیم آن کشور محدود می‌ماند. به تدریج به حاشیه رانده می‌شود و منزوی می‌گردد. بنابراین با اعتقاد می‌توان گفت که تنها واژه‌گزینی و در صورت موفقیت انتشار آن در بین توده‌های مردم نیز کار پایان‌ناپذیر است و کاربرد یک واژه جایگزین شده در حوزه‌ی توسعه‌ی علمی از اهمیت بالایی برخوردار است.

وی در ادامه تأکید می‌کند: «بیشتر در علم و صنعت مستلزم بی‌اعتنایی به زبان ملی نیست، امروزه بسیاری کشورهای که می‌گویند تا همگام و همساز با پیشرفت در عرصه‌ی دانش، زبان ملی را نیز توسعه‌سازند و غریزهدارند.» طبق نظر کارشناسان در حوزه‌ی واژه‌گزینی توجه

به چند موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است:
۱- ضرورت‌های تقویت زبان ملی که این موضوع

باید از سوی تمامی افراد جامعه احساس شود.
۲- مدیریت واژه‌گزینی که به نقل‌نقش‌های رسمی در مدیریت واژه‌گزینی و استانداردسازی واژه‌ها و اصطلاحات نظر دارد.

۳ - علم اصطلاح‌شناسی و واژه‌گزینی که در این زمینه نیز باید به نظریه‌های واژه‌گزینی و کاربرد واژه‌گزینی توجه کرد.



۴-ساخت‌های واژه‌گزینی اعم از نقش اهل علم و فن در حوزه‌های مختلف واژه‌گزینی، نقش نهادها و نقش مردم.

۵ - روش‌های واژه‌گزینی که به حوزه‌هایی هم چون فرایند عام واژه‌سازی، روش‌های واژه‌سازی در زبان‌های مختلف و... اختصاص دارد.

«حسن قریبی» در مورد عملکرد فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در زمینه‌ی واژه‌گزینی می‌گوید: «ما از طرف جامعه در بن بست قرار گرفته‌ایم یعنی مردم ما را نمی‌شناسند. واژه‌های تصویب شده تنها می‌توانند تا مرحله تصویب و چاپ پیش بروند و پس از آن در کتاب‌فروشی‌ها متوقف می‌گردند. بسیاری از مردم هنوز فرهنگستان را با فرهنگسرا اشتباه می‌گیرند و خیلی از آشنایان خود من می‌گویند که تو در فرهنگسرای زبان چیست؟ شاید فرهنگستان هم نتوانسته است بسیاری از حساسیت‌ها را در نظر بگیرد، در زمانه پیش ترفته است و چه بسا واژه‌هایی ساخته که در حال حاضر برای مردم جنبه‌ی طنز دارد، وی به عنوان مثال از واژه‌ی «سُری» نام می‌برد که پس از چند دهه فعالیت «فرداسیون اسکی» برای آن معادل‌سازی شده است.

فرهنگستان دوم که در سال ۱۳۳۷ با هشدار محمد مقدم، استاد و پایه‌گذار گروه آموزشی زبان‌شناسی در برابر هجوم واژه‌های بیگانه تأسیس شد، توانست همراه با فرهنگستان اول تا سال ۱۳۵۱ مجموعاً ۶۶۵ واژه‌ی فارسی را در برابر واژه‌های بیگانه پیشنهاد کند. در فرهنگستان دوم نیز هم چنان گروه واژه‌گزینی، مهم‌ترین وظیفه‌ی فرهنگستان را برعهده داشت و از ۹ کمیسیون علمی و فنی، پزشکی و کشاورزی، زبان و ادب، تاریخ، فلسفه و علوم اجتماعی و تربیتی و روان‌شناسی، هنرهای زیبا، ارزش، اقتصاد، بازرگانی، حقوق و علوم اداری و سیاسی و جغرافیا تشکیل می‌شد. این فرهنگستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز مدت کوتاهی بعد لغو تا این که در سال ۱۳۶۰ با اعدام ۱۱ مرکز و سازمان تحقیقاتی که فرهنگستان دوم نیز جزو آن‌ها بود، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ پدید آمد و بار دیگر فرهنگستان کنونی از دل آن مجموعه جدا شد و هویتی مستقل پیدا کرد.

#### گویش‌شناسی

گروه گویش‌شناسی که اکنون به عنوان یکی از گروه‌های مهم فرهنگستان در حال مطالعه و پژوهش است از همان ابتدای فعالیت مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی به عنوان یکی از محورهای کار مورد توجه بوده است، به گونه‌ای که می‌توان گفت برنامه‌ی واژه‌گزینی و بررسی و مطالعات گوناگون درباره‌ی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی در برنامه‌ی اصلی و تمامی فعالیت این مرکز به شمار می‌آمده است.

این گروه که در فرهنگستان سوم از سال ۱۳۷۱ و با طرح «واژه‌نامه‌ی مشترک گویش‌های ایرانی» هویتی نویافته زیر نظر خانم دکتر ابدراژمان قریب-فعال است، «دیالک‌شناسی» یکی از سه پژوهشگر گروه

گویش‌شناسی با اشاره به واژه‌نامه‌ی مشترک گویش‌های ایرانی می‌گوید: «در این واژه‌نامه در برابر هر واژه‌ی فارسی، معادل آن در حدود هفتاد گویش ایرانی نو قرار داده شده است که برخی از این گویش‌ها عبارتند از: آرائی، آشتیانی، ابوزیدآبادی، افتزی، انارکی، بختیاری، بستکی، بلوچی، بهدینی، تاتی، تالشی، تفرشی، خوانساری، خوری، دوانی، راجی، سرخه‌ای، سمنانی، سنگسری، شهپورزادی، قانچی، کردی، گیلکی، لاسلانی، لاسگردی، لری، لکی، مازندرانی، نائیبی، وفسی، هرنزی و… که واژه‌های گردآوری شده همه‌ای این گویش‌ها به تدریج به برنامه‌ی نرم‌افزار رایانه‌ای سبرده می‌شود.» وی از طرح دیگری نیز به نام طرح بانک اطلاعاتی گویش‌شناسی ایران» نام می‌برد که براساس آن، گویش‌های نقاط مختلف کشور، منطقه به منطقه گردآوری خواهد شد.

اولین منطقی‌ی مورد مطالعه در این طرح استان فارس است که از نظر فراوانی گویش و در عین حال گوناگونی آن‌ها مورد توجه می‌باشد. شیوه‌ی تحقیق نیز به شکل میدانی بوده که با پرسشنامه‌های موضوعی، عمده واژه‌های پایه، ضبط و ثبت می‌گردد. این پرسشنامه‌ها در ۱۵ موضوع از جمله واژگان اجزای بدن، ابزار و وسایل خانه، آفات و بیماری‌ها و… طبقه‌بندی شده که با تکمیل هر یک از آن‌ها ۲۳۰۰ واژه و ۱۰۰ جمله به دست می‌آید هم‌چنین با توجه به نکات دستوری می‌توان در این پرسشنامه‌ها به ساختار گویش‌های مورد مطالعه پی برد.» دیلا عسگری» با اشاره به برخی گویش‌های این محل مثل کازوینی، دوانی، بلتانی، گرگانی، تاتی، دهله‌ای، پیرمهلتی، عدویی، کلانی، لری، کلاری، تاجیکی، ممسنی، کوزرگی، ریچی، ماسومی، سمنانی، کنده‌ای، سمنانی، دوسرمانی، مگری، کروی، پایونی، درونکی یا چروقی و مهوردی عنوان می‌کند که در حال حاضر ۹ گویش از این منطقه به شیوه‌ی تطبیقی آن‌ها نیز در حال تدوین است. نخستین به همت این گروه در سال ۱۳۸۰ نخستین هم‌اندویش گویش‌شناسی ایران برگزار شد که طی آن ۳۲ مقاله تخصصی در این زمینه ارائه گردید.

#### فرهنگ‌نویسی و دانشنامه‌نویسی

گروه فرهنگ‌نویسی با هدف نوشتن یک فرهنگ جامع و کامل تاریخی سی از یک دوره چالش‌جندی و ارائه‌ی نظریات گوناگون در سال ۱۳۷۸ شروع به کار کرد. «بهروز صفراه»، پژوهشگر این گروه، می‌گوید: «هدف ما این است که فرهنگی شبیه لغت‌نامه‌ی دهخدا پدید بیاوریم اما علمی‌تر و روشمندتر. فرهنگی که متون قدیم یا به عبارتی قدیمی‌ترین آثار مکتوب را تا دوره‌ی مشروطه دربر می‌گیرد، ما ابتدا واژگان را از بدو کاربرد در آثار ردیابی می‌کنیم و بعد تغییرات آن را در نظر می‌گیریم، چه تغییرات لفظی و چه تغییرات معنایی؛ کتاب‌خوان‌ها مدخل‌گزینی می‌کنند، سپس قیث برداری می‌شود و بعد قیث‌های منظم به دست تعریف‌نگار می‌رسد که وی براساس توانایی‌هایی که دارد تعریفی از آن ارائه می‌دهد، هویت دستوری برای آن‌ها تعیین می‌شود، معانی تفکیک می‌گردند و شواهد در مقابل آن‌ها قرار می‌گیرند که در نهایت پس از تألیف وارد رایانه می‌شوند.»

وی عنوان می‌کند: «این تیم حدود ۳ سال است که کار می‌کند و هنوز در مرحله‌ی اول یعنی استخراج لغات و شواهد از متون است. پیش‌بینی می‌کنم این مرحله تا ۲ سال دیگر هم ادامه‌یابد که در کل ۵ سال به طول خواهد انجامید.»

دانشنامه‌نویس ادبی نیز یکی دیگر از طرح‌های در حال اجرای فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی است

که یک گروه متخصص در این زمینه مشغول فعالیت هستند. «حسن قریبی» می‌گوید: «ما در زمینه‌ی دانشنامه‌ی ادبی خلأ بزرگی داریم و می‌توان گفت اثر جامعی در این زمینه وجود ندارد. در این راستا تلاش گروه دانشنامه‌نویسی در حال به بار نشستن است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان امسال، جلد اول آن چاپ و منتشر شود.» وی می‌افزاید: «این کار حساسیت‌های خاص خود را دارد اما با توجه به کاستی موجود در این زمینه ما سرعت را نیز در نظر می‌گیریم. به علاوه روزآمد بودن این دانشنامه برای محققان نیز اهمیت بالایی دارد بنابراین سعی خواهد شد جریان دانشنامه‌ی ادبی به شکل مداوم دنبال شود تا علاوه بر جامعیت، کاربرد به روز خود را نیز از دست ندهد.»

#### روابط بین‌الملل

یکی از بخش‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی که اگرچه جزء گروه‌های اصلی آن نیست اما می‌تواند با عنق پشتیبندی به فعالیت خود به گسترش زبان و ادبیات فارسی در عرصه‌های بین‌المللی کمک کند، بخش روابط بین‌الملل است. اکنون دفتر روابط بین‌الملل فرهنگستان در زمینه‌های مختلفی فعالیت می‌کند که خانم «اهدی حجازی» مسؤول این دفتر درباره‌ی آن می‌گوید: یکی از زمینه‌های فعالیت ما



اعزام اساتید عضو هیأت علمی و نیز اعضای پیوسته، به سمینارهای مختلف در جهان در حوزه‌ی زبان و ادب فارسی است، اگرچه گاه برای همکاری بیشتر خود رئیس فرهنگستان سفر می‌کند، گاهی نیز از برخی استاندار زبان و ادب فارسی به خصوص افغانستان و تاجیکستان به ایران دعوت می‌کنیم که به طور مثال در

زمینه‌ی گویش‌شناسی با واژه‌گزینی، هم‌اندویش داشته باشیم. برخی از این سفرها نیز بدون این که هم‌اندویشی در بین‌یافت صورت می‌گیرد.

از جمله فعالیت‌های دیگر ما ارسال مجله‌ی فرهنگستان به برخی دانشگاه‌ها و افراد در خارج از کشور است و نیز منتظیلا دریافت نشریات و یا مبادله اخبار و اطلاعات، وی از راینزنی‌های ایران در خارج از کشور، به عنوان بازوهای اجرایی فرهنگستان یاد می‌کند و می‌افزاید: «ما با راینزنی‌های فرهنگی همکاری داریم اگرچه در برخی موارد خودمان هم مستقل عمل می‌کنیم. به هر حال ارجحیت برای فرهنگستان همکاری با این مراکز است و اگر هم نتوانیم کمک بگیریم، از طریق وزارت امور خارجه و سفارت‌خانه‌های ایران در خارج از کشور ارتباط برقرار می‌کنیم.»

#### کتاب‌خانه‌ی فرهنگستان

هم‌اکنون در کتاب‌خانه‌ی فرهنگستان ۶۹ هزار جلد کتاب به زبان‌های گوناگون، عموماً در حوزه‌ی زبان و ادب فارسی وجود دارد. این کتاب‌خانه هم‌چنین دارای مجموعه‌های نفیس و تخصصی از جمله مجموعه کتاب‌های شادروان دکتر «امعیار نوایی»، شادروان دکتر «احمد تقضلی»، شادروان «دکتر «مصطفی قمری» و شادروان «سدیابوقاسم الحوی شیرازی» است که این مجموعه‌ها هر کدام در حوزه‌ی خود منحصربه‌فرد هستند. انتشارات فرهنگستان نیز تاکنون واژه‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها و مجموعه مقالاتی چاپ و منتشر نموده که هر یک در جای خود دارای ارزش بسیاری هستند که از



**کتاب‌خانه** شماره ۱۳۵، چهارشنبه ۳ مهر ۱۳۸۲ ۱۱



آن جمله می‌توان به چند نمونه‌ی زیر اشاره کرد: نگاهی به گویشنامه‌های ایرانی، مجموعه مقالات هم‌اندیشی واژه‌گزینی، فرهنگ زرتان، دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی در شبه قاره‌ی هند (جزوه‌ی اول)، کتاب‌شناسی دستور زبان فارسی، دستور خط فارسی، شیوه‌نامه‌ی ضبط اعلام، معرفی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، کتاب‌شناسی گویش‌های ایرانی، واژه‌های علوم دامپزشکی، واژه‌های هنرهای تجسمی، واژه‌های مخازرات و...

#### شبه قاره

گروه شبه قاره‌ی هند یکی از گروه‌های جدید فرهنگستان زبان و ادب فارسی که فعالیت‌های آن نیز جالب و جذاب است به گونه‌ای که عملکرد این گروه طبق اظهارنظر برخی اعضای فرهنگستان مورد توجه ویژه‌ی رئیس فرهنگستان نیز می‌باشد. اصلی‌ترین طرح نیم شبه قاره تدوین دانشنامه‌ای برای نشان دادن سهم فرهنگ ایرانی و زبان ادب فارسی در تاریخ و فرهنگ شبه قاره و بررسی اشتراک‌ها و پیوندهای دیرین این دو سرزمین است.

آن چنان که تاریخ روایت می‌کند در برهه‌ای از دوران صفویه ۴۰۰ شاعر تنها از کاشان به هندوستان سفر کرده‌اند که بیت‌نگاری سبک غنی هندی در شعر فارسی نیز نه تنها مؤید این ادعاست که بخشی از تاریخ این دو سرزمین در یک دایره قرار می‌گیرد بلکه بر لزوم پژوهش در این دایره نیز مهر تأیید می‌زند.

گروه شبه قاره‌ی هند با مشاوره‌ی آقای «چندر شکر» از محققان هندوستان که به همکاری فرهنگستان دعوت شده و اعتبار علمی مقالات را خواهد سنجید می‌کوشد تا استادان جوان زبان فارسی در هندوستان را شناسایی کند و توسط ایشان به حلقه‌های مفقوده‌ی گذشته مشترک دست یابد. «حسن قریبی» درباره‌ی کلیت این گونه مرادوات فرهنگی می‌گوید: «می‌توان گفت کمترین تأثیر همین وقت و آمدهای فرهنگی در قالب جلسات رسمی یا غیررسمی می‌تواند کمک به واژه‌گزینی بهتر باشد، به عنوان مثال گروهی در ایران جلسات متعددی گذارند و تلاش می‌کنند تا یک واژه‌ی جدید را که ریشه در زبان فارسی دارد به جای واژه‌ی هلی گوپتر بگذارند در حالی که برای بسیاری از این واژه‌ها در کشورهای فارسی‌زبان دیگر و یا حتی کشورهای دیگر که به لحاظ تاریخی و فرهنگی به ما نزدیک‌ترند معادل وجود دارد، معادل‌هایی که می‌تواند به راحتی در زبان و ادبیات ما جایفتند یا حداقل این که فرمول درست‌تری برای گزینش واژه در اختیار ما بگذارند.»

#### وظایف فرهنگستان

آن چه در طول عمر سه فرهنگستان در بین

صاحب نظران چالش برانگیز بوده بیشتر به تعریف فرهنگستان، حیطه‌ی مسؤلیت و وظایف آن برمی‌گردد. دوباره باید تأکید کرد به علت شرایط خاص زبان و ادبیات فارسی در مقابل مجوم زبان، فرهنگ و تکنولوژی غرب که پس از انقلاب مشروطه صورت و سرعت خاصی به خود گرفت، در تمام این سال‌ها تنها تصویری که از فرهنگستان وجود داشته و تنها انتظاری که از آن می‌رفته مرکزی در حد تصویب واژگان چاپگرین بوده است که در مقطعی از تاریخ با اقبال عمومی روبه‌رو و در مراحل نیز به مفسدگی تبدیل شده است. این موضوع اگرچه یکی از مهم‌ترین وظایف هر فرهنگستان نیز هست، اما حیطه‌ی واقعی فرهنگستان بسیی و بالاتر از این جایگاه است به گونه‌ای که در هر سه دوره نیز واژه‌گزینی تنها به عنوان یکی از گروه‌های این مرکز فعالیت نموده است. شاید یک سوی بحث نیز به خود فرهنگستان برگردد که در هر مقطعی وظایف خاصی را برای خود تعریف کرده و یا مأموریت خاصی به آن محول شده است.

فرهنگستان کنونی با چهار هدف مشخص و ۹ مسؤلیت روشن و البته کلان به فعالیت خود ادامه می‌دهد اگرچه باید کارشناسان امر و متخصصان فرهنگ، زبان و ادبیات به فضاوت پشتیبند که چقدر توانسته است به این اهداف نزدیک شود. اهداف فرهنگستان به شرح زیر است:

- ۱- حفظ قوت و اصالت زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و حامل معارف و فرهنگ اسلامی
  - ۲- پروراندن زبان مذهب و رسا برای بیان اندیشه‌های علمی و ادبی و ایجاد انس با مآثر معارف تاریخی در نسل کنونی و نسل‌های آینده
  - ۳- رواج زبان و ادب فارسی و گسترش حوزه‌ی قلمرو آن در داخل و خارج از کشور
  - ۴- ایجاد نشاط و پالندگی در زبان فارسی به تناسب مقتضیات زمان و زندگی و پیشرفت علوم و فنون بشری با حفظ اصالت آن
- فرهنگستان در راستای اهداف فوق وظایف زیر را به عهده دارد:
- ۱- سازمان دادن تمثیبات فعالیت‌های ناظر به حفظ میراث زبانی و ادبی فارسی
  - ۲- تأسی واحدهای واژه‌سازی و واژه‌گزینی و سازمان دادن واحدهای مشابه در مراکز دانشگاهی و دیگر سازمان‌های علمی و فرهنگی و هماهنگ ساختن فعالیت‌های آنان از راه تعاملی تجارب
  - ۳- نظارت بر واژه‌سازی و معادل‌یابی در ترجمه از زبان‌های دیگر به زبان فارسی و تعیین مجازهای لازم برای حفظ و تقویت بنیه زبان فارسی در برخورد با مفاهیم

### تاریخچه فرهنگستان

#### اصطلاحات جدید

۴- اهتمام در حفظ فرهنگ‌های محلی و مردمی و جمع‌آوری و ضبط و نشر اتمال و حکم و کلیه اعلام و اصطلاحات فارسی در همه‌ی زمینه‌ها و بهره‌برداری از آن‌ها برای پرورش و تقویت زبان و ادب فارسی

۵- سازمان دادن و تبادل تجربه‌ها و دستاوردهای مراکز پژوهشی در حوزه‌ی زبان و ادب فارسی و تأمین موجبات بهره‌برداری صحیح از این تجربه‌ها

۶- بهره‌برداری صحیح از زبان‌های محلی (در داخل و خارج از ایران) به منظور تقویت و تنجیز این زبان و غنی‌ساختن و گسترند دامنه‌ی کاربرد آن

۷- معرفی محققان و ادبا و خدمتگزاران زبان و ادب فارسی و حمایت از نشر آثار ایشان و کمک به تأمین وسایل فعالیت‌های علمی و فرهنگی آنان و فراهم آوردن موجبات تقدیر از ایشان

۸- بررسی و تصویب نتایج فعالیت‌های مراکز پژوهشی و فرهنگی که برای تهذیب و اصلاح و توسعه و تقویت زبان فارسی مفید شمرده می‌شوند و ابلاغ و توصیه‌ی کاربرد آن‌ها به مؤسسات علمی و فرهنگی و سازمان‌ها و نهادهای عمومی.

ارکان فرهنگستان نیز عبارتند از ریاست عالی، هیأت امنای فرهنگستان‌ها، شورای فرهنگستان، رئیس فرهنگستان و دبیر که ریاست عالی‌ی آن را رئیس جمهوری اسلامی ایران است.

پس از انقلاب اسلامی و در فرهنگستان سوم، ریاست فرهنگستان نیز که از میان اعضای شورای فرهنگستان برای مدت چهار سال انتخاب و به تأیید ریاست عالی معرفی می‌شود از تاریخ ۱۳۷۰/۰۳/۱۳ تا ۱۳۷۲/۰۳/۱۳ دکتر حسن حبیبی بوده و این مسؤلیت از ۱۳۷۲/۰۳/۱۳ تاکنون توسط شورای فرهنگستان به دکتر غلامعلی حداد عادل محول شده است.

فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در کنار وظایفی که برعهده دارد به برخی فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی دیگر نیز می‌پردازد:

برگزاری کلاس‌های آموزش واژه‌گزینی، آموزش زبان‌های خوارزمی، سیریلیک، آلمانی و... آموزش رایانه به پژوهشگران، برگزاری دوره‌ی دانش افزایی برای استادان و دانشجویان زبان فارسی کشور ایران، سخنرانی‌های علمی، دعوت از محققان و اساتید برجسته‌ی کشورهای خارجی برای تدریس و سخنرانی پژوهشگر به خارج از کشور برای دوره‌های زبانش افزایی، مشارکت در مجمع دوساله‌ی استادان زبان فارسی، مشارکت در مجمع دوساله‌ی معلمان زبان فارسی، برگزاری هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، برگزاری هم‌اندیشی گویش‌شناسی، برگزاری گروه‌های روسای دانشکده‌های ادبیات سراسر کشور، مشارکت در برگزاری همایش‌های جهانی ماندگار، همکاری در برگزاری برنامه‌های ادیبوی و تلویزیونی درباره‌ی زبان و ادب فارسی، برگزاری میزگرد و پنل‌های فارسی، مشارکت در برگزاری همایش ایران‌شناسی و...

فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم‌چنین از سال ۱۹۸۸ میلادی عضو مؤسسه‌ی «انفورترم» است این مؤسسه از سازمان‌های وابسته به یونسکو است که در سال ۱۹۷۱ میلادی تأسیس شده و مقر آن در وین اتریش است.





## نشست دوم

مریم بیکانی



دوسین نشست «زبان فارسی در جهان» صبح دیروز با حضور استادانی از ایران، اردن، جمهوری آذربایجان، اکراین، آمریکا، پاکستان، افغانستان و انگلستان برگزار شد.

در این نشست که منصور رستگار فسایی از ایران، میزبان املا احمد از تاجیکستان و هنرک سیورسکی از بوزلی به عنوان اعضای هیات رتبه حضور داشتند، سیدکمال حاج سیدجوادی از ایران و بسام علی ربایمه از کشور اردن به ارائه ی مقالات خود، به ترتیب درباره ی «ادبیات فارسی و ایرانیان خارج از کشور» و «دانشگاه بروک و نخستین گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه های اردن» پرداختند.

در این نشست همچنین شفق علی بگللی از جمهوری آذربایجان درباره ی «تدریس زبان فارسی در دانشگاه اسلامی باکو»، نائینا مایلینکایا از اکراین درباره ی «شرق شناسی و ایران شناسی در اکراین» و کامران تلفظ از آمریکا درباره ی «ایران شناسی در آمریکا» به سخنرانی پرداختند. «گذشته، امروز و آینده زبان فارسی در پاکستان» «گستره ی زبان پارسی دری» و «پیشنهادهایی در مورد تقویت کرسی های زبان فارسی» موضوعات دیگری بودند که در نشست «زبان فارسی در جهان» در دوسین روز چهارمین مجمع بین المللی استادان زبان و ادبیات فارسی به ترتیب توسط محمدناصر از پاکستان، نجیب الله سلیس از افغانستان و اندرو نیومن از انگلستان مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

**ایرانیان خارج از کشور و محصولات فرهنگی فارسی**
در طول ۲۵ سال گذشته، در هزار و سیصد عنوان کتاب توسط ایرانیان خارج از کشور منتشر شده است.

سید کمال حاج سیدجوادی، راینر فرهنگی ایران در انگلستان که نسبت میان «ادبیات فارسی و ایرانیان خارج از کشور» را مورد بررسی قرار می داد، با بیان این مطلب گفت: بیش ترین تعداد این کتاب ها که ۷۰۰ عنوان را شامل می شود، متعلق به حوزه ی داستان و رمان است. مرتبه ی بعد، کتاب های تاریخ و خاطرات با حدود ۵۵۰ عنوان و کتاب های با موضوعات سیاسی با ۳۵۰ عنوان قرار دارند. کم ترین تعداد کتاب های منتشر شده توسط ایرانیان خارج از کشور نیز مربوط به حوزه ی کودکان و نوجوانان است.

وی در ادامه با بیان این که با بررسی محتوای این کتاب ها به نتایج عجیبی می رسیم، از این موضوع که بیش تر محتوای این کتاب ها ایرانی ستیزی است، ابراز تأسف کرد و گفت: صنعت مشخصه ادبیات مهاجرت از سوی ایرانیان در خارج از کشور، ایرانی ستیزی است. به نظر می رسد یکی از عواملی که تسلی جوان ایرانی کم تر به یادگیری زبان فارسی در کشورهای دیگر پیردازند، وجود این حمله ها است.

وی افزود: اگر زمانی ادبیات فارسی در خارج از کشور نوانست آثار ارزشمندی را به ارمغان بیاورد، امروز می توان گفت با بررسی کمیت و کیفیت کتاب های منتشر شده می توان چشم انداز آینده را در این زمینه تیره و نامیدکننده توصیف کرد. حاج سیدجوادی در بخش دیگری از سخنان خود اعلام کرد بیش ترین کتاب هایی که از سوی ایرانیان خارج از کشور منتشر می شود، به ترتیب در کشورهای سوئد، انگلستان، فرانسه و بعد هم آمریکا است.

وی هم چنین اشخاص و مراکز مرتبط با زبان و ادبیات فارسی را در سه حوزه ی آموزش زبان فارسی، تألیف و نگارش کتاب، مقاله، نشراتی ها و کانون های ادبی عنوان کرد و با بیان این که آمار دقیقی از تعداد و نوع فعالیت های این مراکز وجود ندارد، به توصیف فعالیت نهادهای رسمی جمهوری اسلامی در خارج از کشور پرداخت و گفت: حدود ۳۰۰ عنوان کتاب از سوی این نهادها منتشر شده است. هم چنین مجلاتی که از سوی ایرانیان منتشر می شود بیش تر در موضوعات فرهنگی و سیاسی و بیش ترین شمارگان متعلق به مجلات نیازمندی هاست.

**نخستین گروه زبان و ادبیات فارسی در اردن**

در سال ۲۰۰۰ میلادی نخستین گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بروک اژون تأسیس شد و این بعد از وقتی بود که برای اولین بار در ۱۹۹۹ زبان فارسی به صورت شش واحد درسی تدریس شد.

بسام علی ربایمه از کشور اردن که درباره ی «دانشگاه بروک و نخستین گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه های اردن» سخنرانی می کرد، زبان شعر فارسی را دارای سابقه ای طولانی در تمدن و فرهنگ جهانی دانست و درباره ی دانشگاه بروک گفت: این دانشگاه دومین دانشگاه اردن است که در ۱۹۹۶ با ۶۰ دانشجو تأسیس شد. تعداد دانشجویان این دانشگاه که شامل ۱۰ دانشکده است، در سال گذشته به ۲۰ هزار نفر رسید.

وی در انتها مشکلات دانشجویان اردنی ای را که به یادگیری زبان فارسی می پردازند، برشمرد و در این باره گفت: امیدواریم ایرانیان برای آموزش هر چه بهتر زبان فارسی در اردن، برای ما کتاب های درسی، آموزشی و وسایلی کمک آموزشی بفرستند و فرصت های رایاری استادان و دانشجویان ما فراهم کنند تا بتوانند از دوره های آموزشی کوتاه مدت در ایران استفاده کنند.

**آهنگ فارسی و موسیقی دلنشین کلمات**

اگر کسی به زبان فارسی مسلط نباشد، ساعت ها می تواند به این زبان گوش دهد، چون آهنگ و موسیقی دلنشین آن،

### زبان فارسی در جهان

انسان راه آسمان ها می کشاند.

شفق علی بگللی از جمهوری آذربایجان که وقتی رئیس جلسه در خواندن نام او گفت آقای شفق از میان سالن گفت: من خاتم هستم، درباره ی تدریس زبان فارسی در دانشگاه اسلامی باکو به سخنرانی پرداخت.

وی با تأکید بر این که توسعه ی اسلام از طریق زبان فارسی امکان پذیر شده است، بلاغت و فصاحت این زبان را باعث جذب دانشجویان آذربایجانی برای یادگیری آن عنوان کرد.

علی بگللی درباره ی علت تمایل دانشجویان آذربایجانی به یادگیری زبان فارسی گفت: دانشجویان می دانند برای هم چنین ایران و آذربایجان از دوران قدیم با یکدیگر مناسبات فرهنگی، زبانی و تاریخی گسترده ای داشته اند که یادگیری زبان فارسی می تواند باعث آشنایی عمیق تر باین مناسبات باشد.

این استاد زبان و ادبیات فارسی که له لایه مقاله ی خود از شعر شاعران ایرانی استفاده کرده بود، درباره ی شیوه ی آموزش زبان فارسی در باکو گفت: دانشجویان سال اول و دوم با ویژگی های الفبای فارسی و صرف و نحو آشنا می شوند. دانشجویان سال سوم و چهارم متون فارسی می خوانند و ترجمه می کنند و دانشجویان در سال پنجم، با ادبیات فارسی آشنا می شوند.

وی مشکلات عمده در آموزش زبان فارسی را ناشألی دانشجویان باکویش فارسی و زبان محذره ی دانست و گفت: هم دانشجویان نیاز دارند، به ایران سفر کنند هم استادان زبان فارسی تا از این طریق معلومات خود را در این زمینه افزایش دهند.

**شرق شناسی و ایران شناسی در اکراین**

به دنبال تشکیل اتحادیه ی علمی شرق شناسان سراسر اکراین، افتتاح کرسی زبان های فارسی و عربی، وابسته به بخش علوم اجتماعی و فرهنگستان علوم اکراین و انتشار مجله ی «جهان شرق» و بیشتر شرق شناسی در این کشور روند جدیدی پیدا کرد.

نائینا مایلینکایا از کشور اکراین، سخنران بعدی این نشست بود که درباره ی شرق شناسی و ایران شناسی در اکراین، سخنرانی می کرد، به سال ۱۹۲۷ اشاره کرد و که هشتصد نفری شرق شناسان در اکراین برگزار شد و با بیان این که به دنبال سیاست ضد اکراینی استلین، تمام شعبه های شرق شناسی در شهرهای مختلف اکراین تعطیل شدند، گفت: عملاً تا دهه ۱۹۹۰ در اکراین از نظر شرق شناسی با بحال بزرگی مواجه بودیم، اما در ۱۹۹۱ با تأسیس موسسه ی شرق شناسی اکراین، آموزش این رشته در کشور تویزاد آغاز شد. این استاد زبان فارسی افزود: در سال ۱۹۹۲ دانشگاه ی شرق شناسی در دانشگاه ملی شفتنگنک با تدریس زبان فارسی شروع به فعالیت کرد. در سال ۲۰۰۲ نیز در همین دانشگاه مرکز ایران شناسی افتتاح شد که انتشار کتاب های درسی زبان فارسی، واژه نامه های فارسی - اکراینی و آثار ایران شناسان اکراینی از جمله فعالیت های آن است.

**نسل دوم ایرانیان مقیم آمریکا و زبان فارسی**

نسل دوم ایرانیان مقیم آمریکا این نتیجه رسیده اند که می توان در آمریکا یک شهروند خوب آمریکایی بود و در عین حال ایرانی باقی ماند. کامران تلفظ، استاد ایرانی دانشگاه آریزونا ای آمریکا که از سوی این کشور در چهارمین مجمع بین المللی استادان زبان و ادب فارسی شرکت کرده بود، به سخنرانی درباره ی ایران شناسی در آمریکا پرداخت و اظهار کرد: اگر ایرانیان مهاجر بعد از ورود به یک کشور دست و پاگیری زبان میزبان دارند، علاوه ی تسل بعد از آن ها به یادگیری فارسی افزایش یافته است و به نظر می رسد جمع بندی های آن ها لزوماً منتقد

با نتایج و عقاید پدرها و مادرهایشان است.

تلفظ که با صدای بلند و محکم سخنرانی خود را به شکلی داستان‌وار آغاز کرده بود، به نقش کتولوبوزی در آموزش شبکه‌ای پرداخت و گفت: من آموزش از طریق تخته‌ی سیاه، گچ و حتی رایانه را متعلق به اسبخت جهان می‌دانم و انتقال دانش به طوری که در شبکه‌ای به هم پیوسته، در همه حال و فوارغ از زمان و مکان خاص روی دهد، را متعلق به فرم جهان.

وی اظهار کرد، امروزه ایران‌شناسی در آمریکا به جای تمرکز بر تاریخ یا معماری، بر روی آموزش زبان و ادبیات فارسی متمرکز شده است. در گذشته بیش‌ترین پژوهشگران ایران‌شناسی آمریکایی بودند، ولی در حال حاضر اغلب آن‌ها ایرانی یا از دیگر کشورهای جهان هستند.

**دانشگاه پنجاب و بیش از نیت قرن آموزش فارسی**
دانشگاه پنجاب پاکستان بیش از یک قرن و ربع است که در پی ترویج و آموزش زبان فارسی است.

محمدناصر از پاکستان تأسیس دانشکده‌ی خاورشناسی و دانشگاه پنجاب را تحولی در آموزش زبان فارسی در پاکستان عنوان کرد و گفت: اولین بار در سال ۱۳۰۰ شمسی، لدکی قبل از تأسیس دانشگاه تهران، در گروه فارسی دانشگاه پنجاب نخستین بار کلاس‌های کارشناسی ارشد دایر شد پس از استقلال پاکستان، تدریس فارسی به عنوان یکی از سه زبان اصلی شرقی، همراه با اردو و عربی، در دانشگاه‌های ایالت پنجاب آغاز شد.

وی افزود: از سه سال پیش، دانشگاه پنجاب دانشجویانی در مقاطع دکتری، فوق‌دکتری و دکتری پذیرفت که در حال حاضر شامل محقق و دکتری زبان و ادبیات فارسی در این کشور مشغول به تحقیق هستند.

ناصر در ادامه به مشکلات پیش روی آموزش زبان و ادبیات فارسی در پاکستان اشاره کرد و گفت: کم شدن فرصت‌های استفاده برای کسانی که زبان فارسی یاد گرفته‌اند، باعث کاهش تعداد دانشجویان این رشته شده است. همچنین بازمنته شدن بسیاری از استادان مسلم‌زبان فارسی و افراد و نام‌سب برای جابجویی آن‌ها، از جمله مواردی است که آموزش زبان فارسی در پاکستان را با مشکل مواجه خواهد کرد.

**شعر فارسی و گستره‌ی زبان پارسی دری**
آنچه باعث پیوند فرهنگی میان سرزمین پهنانور هند و حوزه‌ی زبانی فارسی دری شد، شعر بود که می توان آن را بازایب دهخدا، فرهنگ مشترک عنوان کرد. نجیب‌الله سالیس از کشور افغانستان بود که در نشست دوم زبان فارسی در جهان به بررسی گستره‌ی زبان پارسی دری؛ پرداخت.

**یادگیری زبان و اقامت**
یاد گرفتن یک زبان دیگر، نیازمند اقامت فرد در آن کشور است. اندرو نیومن آخرین سخنران این نشست بود که سخنرانی خود را با بیان سابقه‌ای از آشنایی ایش با ایران، فرهنگ و زبان ایرانی آغاز کرد. وی که به رسم انگلیسی‌ها، برای حرف زدن بسیار از دست‌هایش استفاده می‌کند، درباره‌ی سابقه‌ی آشنایی خود با ایران گفته: ۲۹ سال پیش برای تدریس در لندن ایران در آمریکا و هم چنین دانشجویی فنی دانشگاه تهران، به ایران آمدم. البته هدف من از آمدن به ایران، نه تدریس زبان انگلیسی، بلکه اقامت در ایران و آشنایی نزدیک با زبان و فرهنگ ایرانیان بود.

این استاد دانشگاه ادینبورگ اسکاتلند افزود، ما می‌لم تجربه‌ی اقامت در ایران برای دانشجویانی که در دانشگاه به آن‌ها زبان فارسی آموزش می‌دهم، تکرار شود. به همین دلیل در دانشگاه‌های اسکاتلند، کسانی که مشغول تحصیل در یک زبان هستند، دو سال سوم دانشگاه به کشور میزبان فرستاده می‌شوند تا با اقامت در محیط، زبان آن کشور را بهتر یاد بگیرند. نیومن به مشکلات خود در تدریس زبان فارسی به دانشجویان متفراتر از کشورهای مختلف اشاره کرد و گفت: کتاب مناسب برای آموزش به این دانشجویان در دسترس ما نیست که شباهت‌ها است ایرانی‌ها برای معرفی و تهیه‌ی این کتاب‌ها برای دانشجویان خارجی‌ای که مشغول یادگیری زبان فارسی هستند، اقدام کنند. وی همچنین در انتها به نقش مهم مکالمه در یادگیری زبانی دیگر تأکید کرد و گفت: برای کلاسی‌های آموزش زبان فارسی، مناسب است یک فارسی‌زبان در کلاس حضور داشته باشد. دانشجویان بهتر مکالمه را آموزش ببینند.

## بنگلا دیش

**دکتر نورالهدی، رئیس بخش زبان های دانشگاه راجشاهی:**

## گلشن فارسی جوانی هایم را به یاد می آورد

**دکتر محمد نورالهدی، رئیس بخش زبان های دانشگاه راجشاهی بنگلادش**
**علاقه‌ی بیش از حد مردم بنگلادش به زبان و ادبیات فارسی را تنها مختص دانشجویان و فرهیختگان جامعه‌ی بنگلادش نمی‌داند. وی می‌گوید، این علاقه، یک علاقه‌ی عام است و البته تدریس آن در دانشگاه‌های معتبر بنگلادش مؤید این سخن است.**



**در حال حاضر زبان و ادبیات فارسی در میان دانشگاه‌های بنگلادش از چه جایگاهی برخوردار است؟**
مردم بنگلادش به زبان و ادبیات فارسی علاقه‌مند هستند. این موضوع صرفاً ارتباطی به فخر دانشگاهی ندارد، بلکه همه‌ی مردم با نیتی احترام به این زبان می‌گیرند. در حال حاضر هم در چند دانشگاه زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود. دانشگاه داکا از سال ۱۹۶۱ و راجشاهی از سال ۱۹۶۲ به آموزش و تربیت دانشجویان رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی می‌پردازند.

**رویگرد دانشجویان به زبان فارسی در چه حدی است؟**
باید بدون اغراق بگویم فوق‌العاده است و در حال حاضر تعداد دانشجویان این رشته بسیار زیاد است.

**با کمبود استاد رویه‌رو نیستید؟**

در دانشگاه داکا هفت استاد و در راجشاهی چهار استاد زبان فارسی وجود دارد. در داکا حدود ۱۵۰ نفر دانشجوی مشغول تحصیل هستند که در هر سه مقطع عالی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری امکان تحصیل دارند. دانشگاه راجشاهی هم نزدیک صد نفر تنها در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دارد.

**در دانشگاه‌های دیگر بنگلادش وضعیت چگونه است؟**
«دانشگاه کلتا»، «میهانگر نظره» و «ستیاکنگ» هم زبان فارسی را تدریس می‌کنند، اما این رشته در داکا و راجشاهی تشکیلات وسیع‌تری دارد.

**کمبود منابع چه طور؟**
در داکا و راجشاهی منابع زیادی وجود دارد اما در مورد کتاب‌های ادبیات معاصر فارسی با فقر شدیدی رویه‌رو هستیم. از ایران هم اساتذنی برای تدریس به بنگلادش می‌آیند؟
چند سال پیش برای دوره‌های دانش‌افزایی اساتذانی از ایران به بنگلادش آمده بودند، اما بیش از ۳ یا ۴ سال می‌شود که کسی نیامده است.

**آیا به یاد دارید چه زمانی اولین اثر مکتوب ایرانی را خواندید؟**

کتاب گلشن فارسی اولین اثری بود که من در خانه‌ی فرهنگ ایران در داکا خواندم. موضوع به قبل از ورود به دانشگاه برمی‌گردد. بعد از آن در همان سال اول دوره‌ی کارشناسی، با مثنوی، رباعیات خیام، شاهنامه فردوسی و بسیاری از کتاب‌های کلاسیک ایران آشنا شدم.

**اکنون گلشن فارسی برای شما چه خاطره‌ای را زنده می‌کند؟**

به یاد جوانی‌هایم می‌افتد. این کتاب چاپ پاکستان است و برای گفت‌وگو و برقراری ارتباط، کتاب خوبی است.

### ریکرت نگاه

**گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کابل**



کرسی زبان و ادبیات فارسی از ۵۰ سال پیش در دانشگاه کابل تأسیس شده است. هم اکنون ۴۰۰ دانشجو در این رشته در دو گروه زبان شناسی و ادبیات در حال تحصیلند.

دکتر محمد افضل معاون آموزشی و رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کابل با بیان این مطلب از راه‌اندازی چاپخانه‌ای در افغانستان خبر داد و گفت: این چاپخانه و دستگاه لیتوگرافی و ایران به افغانستان داده است که آفرم‌ها ارسال به عنوان نخستین چاپخانه در افغانستان آغاز به کار خواهد کرد که متأسفانه به دلایل از هم پاشیده‌ی امروز تنها چند چاپخانه شخصی در افغانستان مشغول به کارند که البته چاپ کتاب در این چاپخانه‌ها مستلزم هزینه بالایی است. لذا چاپ و نشر کتاب در این کشور بسیار محدود و اغلب به صورت انست انجام می‌گیرد. این استاد دانشگاه کابل که خود فارغ‌التحصیل زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران است، همچنین از نبود فرصت‌های شغلی برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی خبر داد و گفت: پس از پایان دوره‌ی تحصیل در صد اندکی از دانشجویان جذب وزارت فرهنگ و اطلاعات و دیگر وزارت خانه‌ها و یا مدارس برای تدریس می‌شوند اما در صد بیش‌تری از آن‌ها کم‌تر فرصت کافی برای تدریس و ارتباط با دانشجویان دارند.

دکتر محمد افضل در پایان سخنانش از وضعیت دشوار معیشت اساتذان و هیأت علمی دانشگاه کابل خبر داد و اضافه کرد، متأسفانه اساتذان دانشگاه در افغانستان از وضعیت حقوقی خوبی برخوردار نیستند.

<b>کتابخانه کتابل</b>	
<b>صاحب امتیاز<span> </span>:<span> </span></b> خانة کتاب ایران	
<b>مدیر مسؤول<span> </span>:<span> </span></b> احمد مسجد جامعی	
<b>سرمدیر<span> </span>:<span> </span></b> علی اصغر رمضانپور	
<b>امور فنی<span> </span>:<span> </span></b> کلیرگ گرافیک	
<b>لیتوگرافی و چاپ<span> </span>:<span> </span></b> ایران‌تچاپ	
<b>نشانی<span> </span>:<span> </span></b> خیابان قائم مقام رفاهانی	
<b>اول فجر (جم)، شماره<span> </span>:<span> </span></b> ۹، طبقه دوم	
<b>مستوفی پستی<span> </span>:<span> </span></b> ۳۱۳، ۱۳۱۴۵	
<b>تلفن<span> </span>:<span> </span></b> ۸۸۴، ۱۹۹۹، ۸۳۸، ۸۴۵۳	
<b>نشانی اینترنتی<span> </span>:<span> </span></b>	
<b>http://www.ketabchah.com</b>	

**کتابخانه کتابل** شماره ۱۲۵، چهارشنبه، ۱۳۸۲، ۱۳۸۲

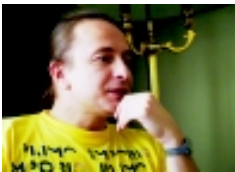
حمید مزرعه

**دکتر لکسی خرماتولین** در سال ۱۳۸۷ زایشگاه فرهنگ‌شناسی من پرترزیورگ نازان‌اصطیقل شد. در سال ۱۳۸۷ با پایان‌نامهٔ «موسم و موسوم تکلی بی‌دی آسانی مرکزی» از رساله دکتری خود دفاع کرد. تحقیقاتی در زمینهٔ اسلام‌شناسی و تصوف دارد که حاصل این تلاش کتابی است با عنوان «هگ و مراسم تدفین اسلام در دین زرتشت» که اخیراً چاپ و منتشر شده است. «ظروف اسرار» عنوان کتاب دیگری است که در حوزه فرهنگ‌ها و از منظر علم به رشته تحریر در آمده است.

فکر می‌کنید که این سفر فرهنگی چه کمکی به شما می‌کند؟
در این سفر با همکاران خود در کشورهای دیگر و با نظرات آنان آشنا شدم و هم چنین برای چندمین بار از کشور شما و فرهنگ شما چیزی‌های نسومی یاد گرفتم.
فرهنگ و ادبیات روسیه در برابر آن شناخته شده است. آیا در مورد ادبیات فارسی نیز چنین گفتاری در روسیه روی داده است؟
شعر از دیگر نویسندگان ایرانی در روسیه شناخته شده تر هستند، مانند: حافظ، مولوی، فردوسی و… که بارها در زمان شوری سابق کتاب‌های آنان چاپ شدو اکنون نیز دوباره در حال تجدید چاپ هستند. ایراد اصلی ترجمه‌های موجود در روسیه این است که بعد از ترجمه به زبان روسی از سوی مترجمان، متون در اختیار عده‌ای از شعرآرزان می‌گردد. بنابراین با نظم مورد نظر آن‌ها چاپ شده‌اند. نظر من در این ترجمه‌ها، معنایی به خوبی مشخص نیست ولی این آثار تاکنون چندین بار با همین ترجمه‌ها منتشر شده است. آثار صبر خیام بارها چاپ و منتشر شده است. و با کتاب‌های اوبعلی سینا که از عری ترجمه شده و به اسم اویشتامعرف است. هر دو ویکی شب و قصه‌های ملائصرالدین نیز در روسیه از اقبال عامه برخوردارند. ولی زمان‌های

## مردم، زبان را پیش می‌برند

**گفت و گو با دکتر الکسی خیزماتولین استاد زبان فارسی از روسیه**



نویسنده‌های ایرانی آن چنان معروف نیست. فقط یک مجموعه داستان از نویسنده‌های مختلف ایرانی مثل هدایت ساعدی، جمال‌زاده و… در روسیه به چاپ رسیده است. البته چهار سال پیش هم از شاعران زن ایرانی، کتابی چاپ و منتشر شد.

چقدر با شاعران و نویسندگان معاصر ما آشنا هستید؟
مثل شاملو، نیناد، فروغ و…

شاملو را نمی‌شناسم. ولی از فروغ کنشی‌داشتم که وقتی صدای شاعر را شنیدم و دوباره شعرهایش را خواندم فری قابل ملاحظه‌ای دیدم. یعنی صدای شاعر بسیار تأثیرگذار است. از نویسندگان همه آثار ساعدی را خواندم. ولی از آثار هدایت خیلی خوش‌نم‌نماید. جایگاه زبان و ادبیات فارسی را در جهان چگونه می‌بینید؟

به نظر من، هر کسی باید کار خودش را کند. اگر استعداد داشته باشد، خداوند هم کمک می‌کند و در نهایت شاهرکاری خلق می‌شود که می‌تواند زبان و فرهنگ ملت خودش را گسترش دهد. فکر می‌کنم این اتفاق در مورد زبان فارسی افتاده است و این موضوع برای هر فرهنگی صادق است.

تاکنون چه تلاش‌هایی برای گسترش زبان فارسی در روسیه انجام شده؟

راویون فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی کار بسیار عظیمی کرد. گام‌های بسیار مهمی برداشتند. مخصوصاً سفر سال‌های اخیر، مثل برگزاری نمایشگاه کتاب، نمایشگاه عروسی نویسی و یادعوت از موسیقی‌دانان اسل ایرانی برای برگزاری کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی. ایرانی‌ها گمان کوچکی بر نظر گروه فرهنگی داشتند. به اندازه‌ای بود که مجبور شدند، نامه بر نامه‌ها را در تالار بزرگ دانشگاهی برگزار کنند. من متعقدم همین اجرائی موسیقی بر جدلیت فرهنگ ایرانی تأثیر می‌گذارد.

زبان و فرهنگ دو مشخصه مهم هر ملتی است، فکر می‌کنید زبان فارسی توانسته است با دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌ها به تعامل برسد؟

**گفت و گو با موش اسدی خمایی**

## زبان فارسی در کشور مغرب

سعی می‌کنم از آراء، دکتر مینن و خانلری در کلاس‌های خود استفاده کنم. اما مواردی وجود دارد که مشکل‌ساز است. برای مثال فکر می‌کنم کتاب دکتر نمره برای آموزش و تبلیغ در ایران اصلاً مناسب نیست. مثل «می‌نشینم که در لهجهی تهرانی به امی‌نشینم؟» تبدیل شده و این برای مبتدیان‌ها خوب نیست و موسیقی نیز از بین می‌برد.

البته من در چند برنامه‌ی تلویزیونی دیدم که فولکلور را با زبان مقایسه می‌کنند. فولکلور که ادبیات نمی‌شود. یعنی فولکلور جزو ادبیات و زبان نیست. به نوعی باید کامل‌کننده‌ی زبان و ادبیات باشد. هم‌دی این موارد به نزدیکی افکار عمومی لطمه می‌زند.

### از رودکی آغاز می‌کنیم

در میان استادان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های جهان فرمودی از دیار چشم بادامی‌ها ملاقات می‌کنید که آرام اما با تسلط حرف می‌زند. این پرورد کسی نیست جز دکتر زین بان نشین استاد ادبیات فارسی در دانشگاه یکن او **اندا گویش افغانستانی** را یاد گرفته و آرام آرام به فارسی **اثرانی تسلط پیدا کرده است.**
**در چنین زبان و ادبیات فارسی تا چه حد شناخته شده است؟**

البته در چین دانشجویان زبان و ادبیات فارسی و هم چنین علاقه‌مندان این زبان خارج از دانشگاه بسیاریند. ما برای تدریس دانشجویان فارسی ابتدا از رودکی شروع می‌کنیم تا اینکه به ادبیات معاصر ایران برسیم.

**پس ادبیات معاصر ما را هم خوب می‌شناسید.**

به اندازه‌ی ادبیات کهن خبر چوون به هر حال ادبیات جدیدی است و در این زمینه با دفتر مطبع هم رویهرو هستیم. خود من مقداری از اشعار نسیمی و شاعران جوان امروز را جمع آورده‌ام که در اختیار دانشجویان می‌گذارم.

**دقیقاً به خاطر دارم که از چه سالی یادگیری زبان فارسی را شروع کردید؟**

من سال ۱۳۷۵ برای یادگیری زبان فارسی دبی، به افغانستان رفتم.

**پس در واقع یادگیری زبان فارسی را از قدمی‌ترین شکل آن شروع کردید؟**

بله. می‌توانم بگویم فارسی شما را از یاد گرفته‌م چون خیلی فرقی نند. مثلاً شما می‌گویید نمی‌توانم آب بخورم. به افغانستان‌ها می‌گویند همین خوردن نتوانم. این تفاوت‌ها برای من جالب است. زبان افغانستانی با واژه‌های پشتون هم آمیخته شده اما این جایش نیز از واژه‌هایی که ریشه‌ی عربی دارد استفاده می‌کنند. در واقع می‌توان گفت فارسی افغانستان مخلوطی است از فارسی دری اصل و پشتون.

شاید سؤال جالبی باشد اما می‌خواهم از شما بپرسم که آیا این زبان چینی و فارسی شباهت‌های وجود دارد؟

خیلی کم، چون این دو زبان از دو خانواده‌ی جداگانه هستند.

**آیا جز حضور در همایش‌ها برای همکاری در روی پروژهای مشترک و یا مشاوره هم به ایران سفر کرده‌اید؟**
من تقریباً ۹ بار به ایران سفر کرده‌ام اما این که شما می‌گویید یک بار برای همکاری با دکتر پلاز آشنا شدم و دکتر سیدجعفر شهیدی به ایران دعوت شد که نتیجه‌ی کارش این دو فرهنگ چینی و فارسی به چینی است. اخیراً هم یک فرهنگ از عربی‌النطق ایرانی فارسی به چینی با همکاری همین دو استاد از مرکز آموزش بین‌المللی زبان فارسی تدوین کرده‌ام.



**موش اسدی خمایی، استاد زبان و ادبیات فارسی و مولف ایران است. او پس از اخذ مدرک کارشناسی از دانشگاه تهران به عنوان دبیر دو دبیرستان‌های متعلقه‌ی یک تهران به تدریس مشغول شده است. قبل از انقلاب به کشور مغرب مهاجرت کرد و از سال ۱۳۸۲ تا ۲۰۰۰ در دانشگاه «محمد ابن عبدالله» این کشور مشغول تدریس شد.**

**نظریه‌ی نقدی این قبی» عنوان رساله‌ی دکتری‌اش است که در دانشگاه محمدبن عبدالله از آن دفاع کرده است.**

**عالم اسدی وضعیت زبان فارسی در مغرب چگونه است؟**

این موضوع از چند جهت قابل بررسی است. باید از ثروت و غنای ادب فارسی و تأثیر آن در ادبیات مغرب شروع کرد. در زبان عربی مغربی و لهجه‌ی مغربی، لغات مترادف فارسی زیاد است که ابتدا کسی متوجه آن نمی‌شود و خود مغربی‌ها هم به آن توجهی ندارند. برای مثال به قانون مغربی، دستور می‌گویند و به «فضل» نیز «بنده» می‌گویند که کلمه‌ای فارسی است اما در ایران به صورت مرکب به کار می‌رود.

از سوی دیگر باید از نظر جغرافیایی نیز کشور مغرب درست در نقطه‌ی شمال غربی آفریقااست و از نظر حکومتی دارای مذهب مالکی است.

**پس این تشابهات باید موجب استقبال مغربی‌ها شود؟**

زبان فارسی و عربی دو زبان اخباری در دانشگاه‌های مغرب است و بیش از ۲۰۰ نفر در این کلاس‌ها حضور داشتند که از شبیه‌های دیگر دانشگاه‌ها برای یادگیری زبان فارسی در کلاس حاضر می‌شدند.

هر استادی برای خودش دستوری دارد که من کتاب اینج

استاد را تدریس می‌کردم. من که شاگرد استاد معین بودم می‌دانم که دکتر معین از دستوری پنج کتب استفاده می‌کردند و هر جا هم که لازم بود دشان شرح و تفسیر می‌کردند. همیشه

بله. به نظر من زبان چیز مستقلی است. حتی وقتی که فکر می‌کنیم این مقوله به بن‌بست رسیده، زبان راه خودش را می‌رود. یعنی به جایی می‌رود که پیشرفت می‌کند و هیچ خواهشی از ما نمی‌کند. مثلاً اگر شما یک کلمه مصنوعی به این زبان بیفزایید چون حاصل زبان برود نیست این برود هستند. که زبان را پیش می‌برند. **عوامل مشترک بیند زبان ما با زبان شما چیست؟**

روابط اجتماعی زیاد، دستور هم از نظر علمی تکنولوژیکی و

هم سافرت‌ها.از این عوامل هستند. مثلاً کلمهٔ مسامت یاژانس که

کلمه‌های روسی است و در زبان شما نیز کاربرد بسیار دارد. کلمات

بسیار زیاد دیگری نیز وجود دارد که الاآن حضوردهن ندارم.

**اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید.**

کندو شده. کندو نمونه‌ای است. امروزه که جهان به سمت

سرمایه‌داری باتم دورگرمی حرکت می‌کند. ایران به عنوان یک نمونه‌با

اژوش نشان داده‌است که می‌تواند کشور ملهمی و مستقل باشد. که حق

فارد وجود داشته باشد. و فرهنگ خودش را داشته باشد. نظری به

تموکراسی تحمیلی نیز ندارد. این امر برای تمام مردم جهان جالب است.

